

حضرات آقایان

در هر نقطه که هستید مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذتاب خونخوارش چون عراق آماده کنید که جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است، و میهن از جان عزیزتر ما امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است امروز روزی است که تمام مردم باید از شهرهای خود دفاع کنند و به شهرهای جنگ‌زده کمک نمایند.

از پیام امام خمینی در ۱۳۵۹/۷/۵

چشمه عشق هرگز نخواهد خشکید

زمان آنست که زن و مرد به خیل
جنگاوران پیوندند

همه باهم به جستجوی راههای
پیروزی بر دشمن غدار برخیزید

در صفحه ششم

واکنش خونبار امپریالیست‌ها در برابر انقلاب ایران

ریشه‌های تاریخی تجاوز دولت نژادگرای بعث عراق
عراق در جرگه متعهدان «غیرمتعهد»!

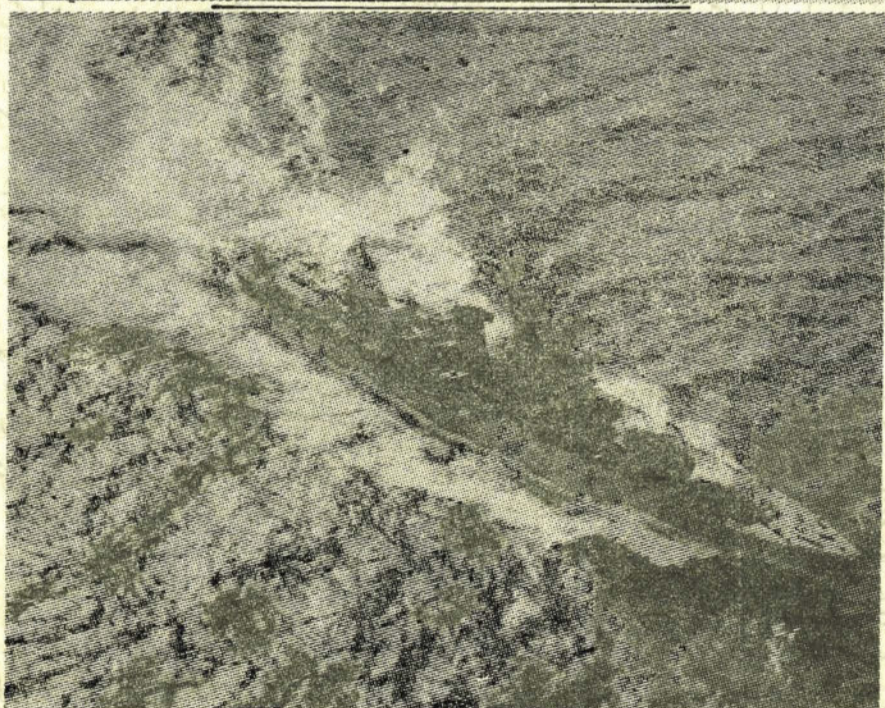
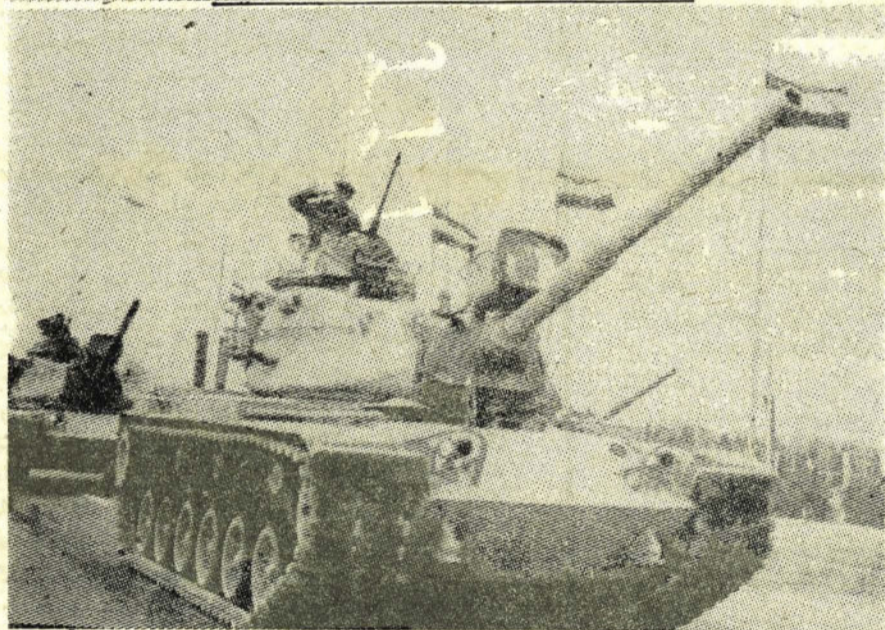
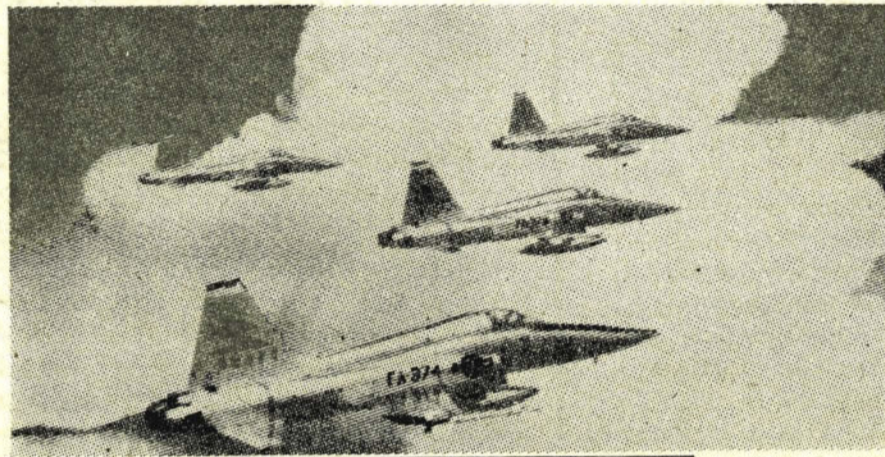
بقیه در صفحه چهارم

همه حسابهای طرح کنندگان نقشه‌های جنگی عراق غلط بود عراق در غافلگیر کردن ایران شکست خورد

روز دوشنبه سی‌ویکم شهریور ماه ۱۳۵۹، دولت نژادگرای بعث عراق، به دستور امپریالیسم آمریکا، پیکارهای همه‌جانبه و اعلام نشده را علیه ایران آغاز کرد.

دشمن پس از آنکه چند لشکر زرهی را به کنار مرز گسیل داشت با فرستادن بیش از ده

بقیه در صفحه دوم



نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران در آسمان و زمین

و دریا عرصه را بر دشمن تنگ کرده‌اند

دشمن در آستانه شکست قطعی

تصور سازش میان حق و باطل را
هرگز به ذهن راه ندهید
ملت ایران جنگ را در همه زمانها
و مکانها پذیراست

هجوم ناخبرانه حکومت نژادگرای بعث عراق به ایران در آستانه شکست قطعی قرار گرفته و آرزوهای ابلهانه صدام حسین بر باد رفته و لاشه تانکها و جنگ افزارهای ارتش مزدوران عراق در کوهپایه‌ها و دشتهای ایران پراکنده است. این درسی است بر هر تجاوزگر که اندیشه در نوردیدن مرزهای ایران را در سر پیوردد.

حکومت نژادگرای بعث عراق با هجوم آوردن به سرزمین ایران، ماهیت واقعی خود را عرضه داشت، گرچه ساخت سیاسی حکومت عراق بر هیچکس پوشیده نبود، ولی اینک به طور رسمی، وابستگی عراق به سلطه‌گران جهانخوار اعلام شده است. صدام حسین، ننگ بردگی امپریالیستها را به زشت‌ترین صورت برشانه مردم عراق بار کرد و آنها را در پیشگاه تاریخ سرافکننده ساخت.

دشمنی حکومت نژادگرای بعث عراق با انقلاب اسلامی ملت ایران و بانظام جمهوری اسلامی ایران ریشه‌هایی ژرفتر از اختلاف مرزی دارد.

ریشه اصلی این دشمنی را باید در ساخت سیاسی آن جستجو کرد، زیرا این حکومت، از هیچ علت وجودی روشنی بهره ندارد. این حکومت، فاقد پایه‌های اجتماعی و تاریخی و حتی حقوقی می‌باشد و از آغاز پیدایش بامکر و خدعه و بندبازیهای سیاسی به سلطه نامشروع خود ادامه داده است.

حکومت عراق، یک روز با کمونیستها نرد محبت می‌بازد و از نیروی آنان برای استوار کردن پایه‌های قدرت خویش سود می‌گیرد و روز دیگر با آنان به ستیزی خون‌آلود برمی‌خیزد.

این حکومت یک روز به روی کردهای رنج رسیده آتش و رگبار می‌گشاید و ده‌کده‌های آنان را با هر گونه وسیله سلاخی به نابودی می‌کشاند و روز دیگر به آرمان کردها ابراز علاقه می‌کند. این حکومت با هر کدام از گروههای اجتماعی کشور خود همواره در ستیز بوده است، با یک گروه علیه گروه دیگر همداستان می‌شود و بدینسان همه آنها را سرکوب می‌سازد.

در سیاست خارجی نیز شیوه حکومت نژادگرای بعث چنین بوده است و هر روز به رنگی در آمدن و نیرنگی زدن و سرانجام همه پرده‌ها را در بیدن و بی‌پرده به خدمت امپریالیستها در آمدن، در اردوی مبارزان فلسطینی نفاق افکندن، با سوریه دشمنی ورزیدن، با جبهه پایداری عرب ناسازگاری نمودن، با

بقیه در صفحه دوم

هشدارها رادرهنگام خودجیدی نگرفتند

هجوم سفیهانه رژیم نژادگرای بعث عراق بر ایران، چندان دور از انتظار نبود، آن دولت از مدت‌ها پیش، چنین تجاوزی را تدارک می‌دید و زمینه‌های سیاسی و نظامی هجوم را فراهم می‌آورد و با ایجاد درگیری‌های مرزی می‌کوشید توانائیهای رزمی ایران را بیازماید، و با فرستادن گروههای خرابکار به داخل ایران تلاش می‌کرد تا بر گرانیگاههای اقتصادی و نظامی ما ضربه وارد آورد و آنها را از کار بیندازد یا دست کم نارسا و ناکارآمد کند. خویشتن داری دولت ایران در برابر تحریکهای ناروای عراق و تجاوزهای مرزی، گرچه این فایده را داشت که رژیم نژادگرای بعث عراق را به اشتباه افکند ولی با کمال تأسف به آنان جسارت داد که دامنه تبه کاریهای خویش را گسترده دارند و از این رهگذر زیانهای سنگین بر اقتصاد ایران وارد آوردند.

می‌بایست در برابر رفتار دشمنانه عراق در همان زمان واکنش‌های تندتری ابراز میشد تا عراق کار گستاخی را به این حد نمی‌رساند.

درباره خطرهای عراق و توطئه‌هایی که در خلیج فارس و پیرامون ایران علیه انقلاب شکل میگیرد حزب ملت ایران پیوسته هشدارها داده است، در روزنامه بقیه در صفحه سوم

نیر و مندباد ارتش جمهوری اسلامی ایران

دشمن در آستانه شکست قطعی

سادات به ظاهر کشمکش داشتن و در باطن همگام و هم رای بودن.

خلاصه همه سیاست داخلی و خارجی عراق و جمع عملکردهای این حکومت بر مدار مکر و فریب و دور ماندن از بنیادهای درست چرخیده است.

حکومت نژادگرای بعث عراق، یک جعل غیر قابل تصور است، این نظام پیش از آنکه وجهه دولت قانونی داشته باشد، وجهه گروهی قدرت طلب راهزن است که با به کار گرفتن هر وسیله می‌خواهد حکمرانی خود را هر چه بیشتر ادامه دهد.

این حکومت، خود را از هر تعهد اخلاقی و حقوقی رها داشته و هر اصل لازم در سازمان بخشیدن به نظام سیاسی و اداری کشور را فرو هشته است.

بدینگونه ریشه اصلی دشمنی حکومت نژادگرای بعث عراق با جمهوری اسلامی ایران آشکار می‌شود. چنین حکومتی که بکلی بریده از مردم است چگونه میتواند آتشفشان هیجان‌انگیز انقلاب اسلامی ملت ایران را در کنار مرزهای خود پذیرا باشد.

رشد یافتن انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، خود فرمان سرنوینی حکومت نژادگرای بعث عراق است.

درگیری میان عراق و ایران دروضع کنونی یک فرآیند اجتناب ناپذیر تاریخ می‌باشد.

صدام حسین می‌پنداشت که باسیاه کردن چهره عراق و بازانو زدن در برابر جهانخواران صاحب قدرت در این فرآیند تاریخی خواهد توانست طرفی بریند و پایمهای لرزان اقتدار شوم خود را استوار دارد ولی این امید به ثمر نه نشست.

آنچه از این ماجرا بر صدام حسین بازماند ویرانی و مرگ و در ماندگی است

جنگاوران ایران بر صدام حسین فرصت ندادند که دمی بیاساید و زمین و دریا و هوا را بر او تیره ساختند. صدام حسین پس نشینی‌های کوتاه مدت موضعی رابه حساب پیروزی‌های پایدار خود گذاشته و سفیهانه بر آنها شادمانی می‌کند.

صدام حسین فراز و نشیب موجهای نبرد را که لازمه هر جنگی است بیخردانه سرنوشت نهائی جنگ می‌پندارد و نمی‌داند که در پایان راه چه فاجعه هولناکی در انتظار حکومت نژاد گرای بعث عراق می‌باشد.

رزمندگان ایرانی به هیچ صورت به صدام حسین و همدستان تبه کارش فرصت آسودگی و بازسازی نخواهند داد و ارتش ایران ارتش مزدور آنها را بی‌وقفه دنبال خواهد کرد و در زیر بارانی از آتش فرو خواهد کوفت و از همه آنچه به ایران گسیل شده است جز خاکستر چیزی به جانخواهد ماند.

صدام حسین بر این تبه کاری خود در زمانی طولانی تدارکها دیده بود و مایپوسته اسباب چینی این دست نشاندن ابرقدرتها و هم چنین اندیشه‌های تبه کارانه‌اش را باز گو می‌کردیم و می‌خواستیم پیش از آنکه توان در راه افتادن بیاباد از پای در افکنده شود.

اینک هم یاد آور می‌شویم و باز گو می‌کنیم که باید نیروی نیستی ناپذیر مردم را در ریافت آنها را بسیج کرد و به صحنه نبرد گسیل داشت.

مردم چشمه جاودانی هر جهش هستند و توان آترا دارند که هر تجاوز را سرکوب کنند.

در یاری جستن از این نیرو درنگ و تردید نباید روا داشت.

یک هفته پیش در اعلامیه حزب ملت ایران یاد آوری شد که بسیج، باید بسیج همگانی باشد، همه باید در صفهای پیکار دست در دست هم گذارند ولی تاکنون به چنین بسیجی نپرداخته‌اند.

اینک نیز بر این پیشنهاد پای می‌فشاریم و می‌خواهیم که همه نیروهای نهفته ملت را آماده رزم سازند، زیرا این نبرد را باید تا پیروزی قطعی ادامه داد.

تا راندن ارتش مزدور عراق و نابود کردن آنها همه خواسته ملت ایران نیست، می‌باید همه اساس تبه کاری را در هم فرو ریخت، و پایگاه تبه کاران را هر کجا باشد در هم فرو کوفت. دشمن در تنگنا است و برای رها کردن خود از سیاه روزی قطعی دست به حیلها خواهد زد، چنانکه هم اکنون آمد و رفت‌ها برای میانجیگری آغاز شده‌است ولی هرگز نباید فریب خورد و تصور سازش میان حق و باطل را هرگز به ذهن راه نداد.

هیچ گفتگو را در هیچ کجا نباید پذیرفت و خوشبختانه دولتمردان نیز همگی بر این نظر استوارند و تشبث‌های دشمن را بی‌حاصل گذارده‌اند.

همه حسابهای طرح کنندگان

از سرعت حرکت و قدرت مانور و ظرفیت بیشتری برخوردار بودند اما جنگنده‌های عراق از چنین امتیازهایی بهره نداشتند.

۳- خلیسانهای اسرائیلی با تمرین‌های سخت و طولانی در کار خود ورزیدگی کافی می‌داشتند. خلیسانهای عراقی بسیار ناکار آمد می‌باشند.

۴- عامل‌های اطلاعاتی ورزیده دشمن در سازمان ارتش مصر رسوخ کرده بودند و هر حرکت ارتش مصر را آگاهی می‌دادند. در ارتش ایران چنین عامل‌های نفوذی وجود نداشت.

۵- هواپیماهای مصر به وسیله عامل‌های نفوذی در سطح فرودگاهها، بدون هیچ پوششی پخش شده بود. هواپیماهای ایران در پایگاههای خود دروضع مناسب دفاعی قرار داشت.

۶- سرفرماندهی ارتش مصر، بوسیله یکی از قدرتهای بزرگ خارجی که به ظاهر حامی و همکار وی می‌نمود، اغفال شده بود، نیمه‌های شبی که صبح آن هواپیماهای اسرائیلی ضربه را وارد کردند، یکی از سفیران خارجی به دیدار ناصر می‌رود و می‌خواهد، دست از جنگ طلبی بردارد و حالت آماده باش نیروهای نظامی مصر را لغو کند و در برابر قول می‌دهد که از جانب دشمن هم حملهای نخواهد شد، و بدین سان زمینه مناسب هجوم رافراهم می‌دارد ولی در ایران چنین زمینه اغفالی قابل فراهم کردن نبود.

۷- فرماندهان ارتش مصر ناباور از رزمی که روی خواهد داد، به جریان زندگی عادی خود مشغول بودند، عبدالحکیم عامر به هنگام حمله یکانهای هوایی اسرائیل در ویلای خود در ساحل رود نیل تنیس بازی می‌کرد، فرماندهان ارتش ایران چنین نبودند.

۸- ارتش اسرائیل با زیرکی خاص قدرت خود را بسیار کمتر از واقع جلوه داده بودند و نیروهای مصر و عرب را بیشتر از واقع و بدینسان در ارتش مصر این اندیشه رارسوخ داده بودند که دشمن پیشدستی در هجوم راندارد. در جریان نبرد ایران و عراق کار برعکس بود، دشمن قدرت ارتش ایران را بسیار کمتر از واقع بر آورد کرده بود و توانائی خود را بیش از آن.

۹- شرایط نبرد در صحرای غیر از شرایط نبرد در کوهستان است، در صحرای که صحنه نبرد اسرائیل و مصر بود، نیروی هوائی و نیروی زرهی دست بالا را دارند و شعاع عمل آنها بسیار است.

صحنه نبرد ایران و عراق، دست کم در دو جنبه بسیار مهم، کرمانشاه و ایلام، به شدت کوهستانی است و پیروزی در این شرایط تنها با برتری نیروهای زرهی و هوائی مسیر نیست و در این شرایط نیروهای پیاده و توپخانه و قدرت تحرک و آتش

باید بر دشمنی که گستاخانه بر میهن ما تاخت آورده، و شهر و روستای ما را به خون کشیده و ویرانی ببار آورده، ضربه زد و تا نابودی آن با سرسختی نبرد را دنبال کرد.

هدف روشن و راه روشن است، ایرانی منیخواهد دشمن را از خانه‌اش براند و آترا در پایگاه اصلی خود برای همیشه نابود و در بر آوردن این خواست بزرگ جنگ را در همه مکانها و همه زمانها پذیرا است.

۱- نیروی هوائی مصر، نسبت به نیروی هوائی دشمن در هر حال ضعیف‌تر بود و هر گونه درگیری هوائی به پیروزی مصر پایان نمی‌یافت ولی تناسب نیروی هوائی ایران و عراق برعکس بود.

۲- جنگنده‌های اسرائیل

بامصرف کمتر برتوان ایستادگی ملی بیفزائید

با خفت شکست نمیتوان زندگی انسانی داشت

خاطر اعتصاب در همه سازمانها و واحدهای صنعتی، تولید در حال توقف بود. ایرانیان انقلابی تصمیم جدی داشتند تا دولت را فلج کنند و در کنار این تصمیمها، اعتصابها، روحیه انقلابی، یاری و ایثار نسبت بیکدیگر هم بود، هر چه وجود داشت روشن بود و هر تقسیم میشد، امید به آینده، آینده‌ای که بدست ملت شکل گیرد و اداره شود چنان شوقی بوجود آورده بود که کمتر کسی تنها به خویشتن می‌اندیشید، همه چیز در جمع خلاصه میشد و همه کس به جمع می‌اندیشید.

اما در این روزهای جنگ، جنگ با دولت نژاد گرای بعث عراق که به نیروهای اهریمنی دشمنان ایران تکیه دارد، جنگی که آینده میهن به چگونگی پایان آن بستگی دارد، قطعی است که هر فردی، کارگر، کشاورز، پیشه‌ور در برابر این حمله خارجی که سعی در نابود کردن همه نهادهای اقتصادی کشور دارد، تلاش خواهد کرد با همی توان در افزایش تولید بکوشد، خواهید گفت هنگامیکه پالایشگاه آبادان بمباران شد، پالایشگاهی که بزرگترین پالایشگاه جهان

تفاوت‌هایی در آن روزها به راستی به آنها عامل تعیین کننده است گذشته از این تفاوت‌های اصلی میان شرائط حاکم بر جنگی غافلگیرانه اسرائیل علیه مصر و جنگی که ارتش تجاوزگر عراق به خواست امپریالیسم آمریکا علیه ایران به راه انداخته است باید توجه داشت:

۱- با اینکه بعضی به نیروهای زرهی عروس میدان جنگ لقب داده‌اند، در صورت پایداری هشیارانه طرف درگیر، بسیاری از کارائی خود را از دست میدهند و ضربه بر آنها به وسیله توپخانه و پیاده نظام کاردشواری نیست.

۲- تانکها در صحنه جنگ، سرنوشت نهائی را تعیین نمی‌کنند. سرنشینان تانکها باید سرانجام از داخل آن بدر آیند، و می‌توان با کمین کردن و به انتظار نشستن به آسانی بر تانکها پیروز شد و بدین سان برتری نسبی نیروهای زرهی هیچ ثمر قطعی به بار نتواند آورد.

۳- تجربه جنگ ناحیه‌ای در ویتنام، نارسائی نیروهای هوائی و زرهی را در بسیاری از شرائط جغرافیائی به روشنی بیان می‌دارد که جبهه‌های جنگ غرب ایران دارای چنین شرائطی است.

۴- تجربه جنگ جهانگیر دوم در روسیه، ارزش پایداری گروههای کوچک رزمندگان را نشان می‌دهد، به ویژه در درون شهرها، که هر دیوار سنگری است، و نیروهای زرهی در جنگهای داخل شهرها شعاع عمل بسیاری بستهای دارند و به آسانی می‌توان بر آنها آسیب رساند. درگیریهای آبادان و خرمشهر بار دیگر این درس را تکرار نمود.

۵- استوارترین تکیه گاه نیروی جنگی روحیه آن است و روحیه جنگاوران انقلابی ایرانی، بی‌هیچ تردید در تاریخ نظامی کم مانند است.

روحیه رزمی بسیار عالی جنگاوران ایرانی، به آسانی هر گونه برتری دشمن را بی‌اثر می‌سازد و همه حسابهای طرح کنندگان نقشه‌های نظامی عراق را بر هم می‌ریزد.

بدین سان گردانندگان دست نشاندن دولت پوشالی عراق در تقلید از شیوه اسرائیل در جنگ علیه مصر به خاک ایران برخفا رفت و پیشدستی در جنگ و هجوم غافلگیرانه به فرودگاههای ایران و سپس سرازیر کردن لشکرهای زرهی هیچ ثمری برای این دولت تجاوزگر ببار نیاورد. و از ساعت‌های پایانی روز دوشنبه آخر شهریورماه ۱۳۵۹ جنگ به شیوه‌های کلاسیک آغاز شد.

پیش از شروع رسمی جنگ دولت نژادگرای بعث عراق، به گونه‌ای مبارزه فرسایشی دست زده بود و برخی ناحیه‌های مرزی ایران را، به ویژه در دو استان ایلام و کرمانشاهان زیر آتش گرفته بود دو ناحیه مهران و قصرشیرین، از مدت‌ها پیش ضربه‌های آتشبارهای دشمن را تحمل می‌کردند.

درگیریهای فرسایشی مرزی از سوی عراق بدان جهت آغاز شده بود که قدرت واکنش دولت ایران را بسنجد و خویشتن دارای دولت ایران در برابر سبکسری‌های حکومت عراق، دشمن را به اشتباه افکند تا آن حد که عملکرد دولت ایران را به ناتوانی تعبیر کرد و این خود سرچشمه اشتباه حسابهای دیگری برای ابرقدرتهای برانگیزنده دولت بعث عراق گردید.

درگیریهای فرسایشی مرزی از سوی عراق بدان جهت آغاز شده بود که قدرت واکنش دولت ایران را بسنجد و خویشتن دارای دولت ایران در برابر سبکسری‌های حکومت عراق، دشمن را به اشتباه افکند تا آن حد که عملکرد دولت ایران را به ناتوانی تعبیر کرد و این خود سرچشمه اشتباه حسابهای دیگری برای ابرقدرتهای برانگیزنده دولت بعث عراق گردید.

درگیریهای فرسایشی مرزی از سوی عراق بدان جهت آغاز شده بود که قدرت واکنش دولت ایران را بسنجد و خویشتن دارای دولت ایران در برابر سبکسری‌های حکومت عراق، دشمن را به اشتباه افکند تا آن حد که عملکرد دولت ایران را به ناتوانی تعبیر کرد و این خود سرچشمه اشتباه حسابهای دیگری برای ابرقدرتهای برانگیزنده دولت بعث عراق گردید.

درگیریهای فرسایشی مرزی از سوی عراق بدان جهت آغاز شده بود که قدرت واکنش دولت ایران را بسنجد و خویشتن دارای دولت ایران در برابر سبکسری‌های حکومت عراق، دشمن را به اشتباه افکند تا آن حد که عملکرد دولت ایران را به ناتوانی تعبیر کرد و این خود سرچشمه اشتباه حسابهای دیگری برای ابرقدرتهای برانگیزنده دولت بعث عراق گردید.

بعث عراق گردید.

هشدارها را در هنگام خود جدی نگرفتند

درنگ در سرکوبی تجاوزهای قبلی، دشمن را گستاخ کرد در سرنگون ساختن حکومت نژادگرای بعث عراق کوتاهی شد

اتحاد بزرگ شماره پنجشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۹ از زبان هم‌رزم داریوش فروهر زیر عنوان «توطئه خلیج فارس را تهدید می‌کند» چنین آمده است: امروز نشانه‌های این خطر در خلیج فارس بسیار تا بسیار به چشم می‌خورد، می‌بینیم بسیاری از کشورهای غربی که اسلامی هستند و ما آرزوی آن داریم که یک روز به آن نقطه اوج آموزشهای اسلامی برسند که خود را از ما جدا نمانند ولی تا آنها خود را از ما جدا میدانند به عنوان مسلمان بودن آنها ما ایرانی بودن خود را از یاد نخواهیم برد. و در اینجا در این نقطه حساس و وظیفه بزرگی بر عهده نیروی دریایی ایران است.

کسانی که گمان می‌کنند این نیروی دریایی باید کوچک شود، کسانی که گمان می‌کنند این یک گارد ساحلی است سخت در اشتباه‌اند. ما اگر بخواهیم شریان‌های حیاتی مان آزادانه به کار خود ادامه دهند باید در خلیج فارس نیرومند باقی بمانیم. از ضعف ما ناشی می‌شود که امپریالیسم آمریکا در صدد این برمیآید که نیروی ضربتی ویژه‌ای به خلیج فارس بفرستد، از ضعف ما ناشی می‌شود که کسانی در اندیشه خود این خیال خام را می‌پروراندند که این نام تاریخی را میتوان دگرگون کرد.

و بار دیگر در روزنامه اتحاد بزرگ شماره پنجشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۵۸ زیر عنوان «نگرانی آمریکا در خلیج فارس؟» چنین آمده است: «آنچه مسلم است آمریکا راههای گوناگونی را برای حضور نظامی خود در خلیج فارس به آزمایش گذاشته است. زمانی مسئله امکان خرابکاری در تنگه هرمز را به میان می‌کشد و زمانی ترس از نفوذ کمونیسم در منطقه را.

از سوی دیگر بسیاری از سیاستمداران کشورهای حوزه خلیج فارس هم که که دارای گرایشهای آمریکائی هستند زمینه حضور بیشتر آمریکا را در منطقه فراهم می‌کنند.»

و نیز روزنامه اتحاد بزرگ شماره پنجشنبه پنجم مهرماه ۱۳۵۸ زیر عنوان «نغمه‌های شوم استعمار در خلیج فارس» توطئه‌هایی را که با شتاب از جانب وابستگان استعمار تدارک دیده می‌شود افشا نموده و چنین می‌نویسد: «تنها کافی است که اشاره کنیم میدان داری حکومت بعث عراق در پی سفر ریمون بار نخست وزیر فرانسه و وزیر خارجه انگلستان شروع شد و جای تعجب است که عراق صحبت از نفوذ امپریالیسم در منطقه می‌کند» بدرستی که اکنون پیوند ناگسستنی برادران فداکار نیروهای دریایی و هوایی با مردم انقلابی ایران آشکار شده، باید از آنها که کوشش خود را در شکستن این پیوند بکار می‌برند و آنرا غیر لازم می‌دانستند، خواست که به درستی گفتارها و

پایان سخنان خود نتیجه میگیرد

«در صورت لزوم، همه زنان و مردان ایرانی این آفریدگان انقلاب شکوهمند اسلامی دست به سلاح خواهد برد و هر تجاوزگری را بگور می‌فرستند.»

نامه آرمان ملت در شماره سوم بتاریخ سه‌شنبه بیست‌وششم فروردین ماه ۱۳۵۹ «رهائی عراق رسالت انقلاب اسلامی ملت ایران است، حکومت نژادگرای بعث عراق را سرنگون باید کرد» پس از بررسی چگونگی ساخته شدن کشور عراق بدست استعمارگران مینویسد «پس از نابودی نظام سلطنتی ربرسلطه، خلع شاه فراری، همکارش صدام حسین جلاد هم زاندار می‌منطقه را خواهان است و هم شدیدا به وحشت افتاده که بعد جهانگستر انقلاب اسلامی ملت ایران او را دیر یا زود بهمان سرنوشتی گرفتار کند که خیانتکاران تاریخ با آن روبرو شدند.» سپس در این نوشتار آمده است «ملت ما به دلیری و پایداری مردم عراق چه سنی چه شیعی چه کرد چه عرب اعتقاد فراوان دارد و میدانند که ساکنان این منطقه پربرکت زمانی که بخواهند بهر کاری توانا هستند و از اینرو بدنبال پیام آتشین امام خمینی به سلحشوران دجله و فرات این فرزندان پرشور بین‌المللی مردم ایران مشتاقانه در انتظارند تا سال نو، سال نابودی رژیم بعثی عراق و سال آزادی همیشگی مردم این کشور گردد. سال انقلاب در سرزمینی که پیام «عقیده و جهاد» از آنجا آغاز شد و طریق شهادت از آن دیار تاریخ را در نور دید.»

روزنامه آرمان ملت در شماره نوزدهم به تاریخ سه‌شنبه چهاردهم مرداد ماه ۱۳۵۹ زیر عنوان «ایران باید با همه نیرو به یاری مردم به‌پا خاسته عراق بشتابد. حرکت‌های تجاوزگرانه دولت نژادگرای بعث، زنگ خطر است.» با بررسی تجاوزهای مرزی عراق چنین نوشت: «بررسی خبرهای چندروزه جرایم به خوبی پیگیری این تجاوزهای حساب شده را نشان میدهد. روزی نیست که گزارشی در مورد درگیریهای خونین میان مهاجمان عراقی و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب نرسد و بر نگرانیهای مردم نیافزاید. این حرکت‌های تجاوزگرانه بی‌دری زنگ خطری است بر جدی بودن این مرحله از مبارزه امپریالیسم آمریکا به همکاری دولت نژادگرای بعث عراق علیه انقلاب اسلامی ملت ایران که نمیتوان آنرا یک برخورد مرزی و یا یک تصادم اتفاقی ناشی از روشهای غیردوستانه تلقی کرد.

از این گذشته روزی نیست که گماشتگان دولت بعث عراق در موضعی حساس و تأسیسات نفتی عرب و جنوب کشور دست به خرابکاری یا انفجاری زنند و حتی از گسترش دامنه این توطئه‌کشی‌ها به مجامع عمومی که مرگ انسانهای بی‌گناهی را همراه دارد نیز ایثاتی ندارند. این دژخیمان بی‌آزمی ایرانیانی را که سالیان دراز در عراق و در کنار «مشهد متبرکه» زندگی می‌کردند به وحشیانه ترین وضع از خانه‌های

با مصرف کمتر

است و نیمی از ماده‌های سوختی مورد نیاز برای مصرف داخلی را تامین می‌کند. با چه وسیله‌ای کارخانه‌های برق کار کنند و با چه برقی چرخ کارخانه‌های تولیدی به گردش درآیند و با چه برق و سوختی کشاورز کاشت و داشت و برداشت را دنبال نمایند، در پاسخ باید گفت که ترسیم چنین خطی گسترش آوردن بعد خطر در ذهن و نایابوری و ناامیدی را پروراندن است، چرا که پالایشگاههای دیگر، کار میکنند، بعلاوه کشور سوخت ذخیره دارد که اگر درست توزیع شود میتوان با برنامه‌ریزی و صرفه‌جویی تا مدتی دراز هردشواری را در این زمینه از پیش پای برداشت.

باید توجه کرد که وضع جنگ آنگونه که دولت تجاوزگر عراق انتظار داشت با سرعت بسودش تخریب بنا بر این نباید دچار اضطراب و وحشت شد و تن به ناامیدی داد، باتوجه به اینکه بهر حال جنگی بزرگ را به جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده‌اند و باید با تکیه بر همبستگی ملی روحیه خود را نباخت و سرسختانه به ایستادگی برخاست و مانند ماههای قبل از انقلاب هر چه هست باهم تقسیم کرد، نسبت بیکدیگر اعتماد داشت و ایثارگر بود.

خود در آوردند و هستی آنان را که با کار صادقانه در طول سالها به دست آورده بودند ضبط کردند و به شکلی تأثر انگیز به داخل ایران فرستادند.

این حمله‌ها و خرابکاریها و توطئه‌های دنباله دار موضوعی است که باید بدان توجه خاص داشت تا قبل از وقوع فاجعه بزرگتری بتوان کشور را آماده خنثی کردن آن ساخت.

تجربه گذشته نشان داده است که دولت بعثی عراق پس از پیروزی انقلاب و واژگونی نظام سلطنتی وابسته به بیگانه در همه دسیسه‌های علیه میهن ما بنوعی دست داشته و بدستور اربابان خود طبق برنامه حساب شده از هیچ کوششی برای ناباسمان داشتن وضع ایران و کمک به اخلاک‌گران خودداری نکرده است.

بارها گفته و نوشته شده است که دولت نژاد گرای بعث عراق بعثت و وابستگی‌های انکار ناپذیر با امپریالیسم و بریدگی از مردم دشمن شناخته شده انقلاب اسلامی ملت ایران میباشد و حکومت ملی وظیفه دارد بی‌چ سازشکاری تکلیف خود را هرچه زودتر با آن یکسره کند.

در این نوشتار سپس آمده است «اکنون هم خبر ترمز چند هزار اجیر شده که بهترین سلاحها را دارند و استقرار چند لشکر ورزیده در نوار مرزی و گسترش خرابکاریها و تجاوزها در استانهای غربی کشور میتواند نشانه آن باشد که دولت دست نشانده عراق باردیگر برای یک توطئه بزرگ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران زمینه سازی می‌کند.

حزب ملت ایران به دست اندر کاران حکومت که بسختی در کشمکش برای انحصار

به ملت پرتوان خود و به خود تکیه کرد و بیاد داشته باشیم که روحیه پایداری در مردم با رعایت چنین مورد هائی استواری می‌یابد، تنها بفکر نجات خود نباید بود، هر چه بدست می‌آید باید با دیگری که ندارد نصف کرد، اگر بتوان این روحیه را دوباره باز یافت روحیه جمعی بودن و همیاری ملی را، بخودی خود باعث میشود تا در پشت جبهه‌های جنگ دیواری آهنین از اراده ملی بوجود آورد که در سرنوشته میهن اثر بخشی بزرگی خواهد داشت.

نه تنها باید چنین کرد و با کمک بیکدیگر در شهرها نظمی در خور دوران جنگ در تولید و توزیع بوجود آورد، بلکه باید شهرها را بصورت پایگاه بزرگ کمک دادن به جبهه‌های جنگی و روستاها را به گونه پایگاهی برای نیرو رسانی به شهرها در آورد، باید بیاد داشت که ارتش، بخاطر درهم ریختگی‌های بعد از انقلاب و ضربه‌های ناخبردانه که آن وارد کردند چه بسا که از نظر تدارکات غیر جنگی مانند، خوراک و پوشاک احتیاج به کمک‌رسانی ما پیدا کند.

پس مردم، هم باید در روزها و هفته‌ها و شاید ماههای بحران آینده با ایجاد نظم در زمینه تولید و توزیع نیازمندیهای زمان ک بتوانند خود را اداره نمایند و هم باید تدارک کنندگانی توانا، بقیه در صفحه هشتم

مرکزهای قدرت فرورفته و گوئی نابسامانی‌های کشور را یکسره از یاد برده و به برخورداری درونی پرداختند بار دیگر هشدار میدهد تا فرصت از دست نرفته به خود آیند.

سپس در این نوشتار چنین نتیجه گرفته میشود که «ارتش جمهوری اسلامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب نیز باید که ابتکار عمل را به دست گیرند و در صورت لزوم تجاوزگران را تا قلب قرارگاههایشان تعقیب کنند.»

بدین سان خطر از مدتها پیش احساس و از کار بدستان کشور خواسته میشد برای زدودن آن به تلاش برخیزند ولی این هشدارها و این پیشنهادها به گونه‌ی بسیاری دیگر از هشدارها و پیشنهادها مورد توجه قرار نگرفت. و آنچنان در رویارویی با تجاوزها درنگ گردید تا سرانجام دشمن جسارت ورزید و هجوم دامنه دار خود را آغاز کرد.

اینک باید خطری که زندگی همگان و دست آوردهای انقلاب را تهدید می‌کند به روشنی باز گفته شود باید تعهد مردم را در دفاع از میهن برایشان بر شمرد باید همه خواسته‌های تاریخی ملت را برانگیخت باید نکبت ناشی از سلطه بیگانه را آشکار داشت، باید همه توش و توان زنان و مردان ایران زمین را به کار گرفت و باید کار آمدترین مدیریت را به سازمان دادن این نیروها گماشت.

گرچه بسیار دیر شده است ولی هنوز فرصت ها باقی است و به آسانی می‌توان دشمن را نابود ساخت و بابر چیدن بساط رژیم نژادگرای بعث عراق مردم زنجیر شده این سرزمین را آزاد کرد.

خود در آوردند و هستی آنان را که با کار صادقانه در طول سالها به دست آورده بودند ضبط کردند و به شکلی تأثر انگیز به داخل ایران فرستادند.

این حمله‌ها و خرابکاریها و توطئه‌های دنباله دار موضوعی است که باید بدان توجه خاص داشت تا قبل از وقوع فاجعه بزرگتری بتوان کشور را آماده خنثی کردن آن ساخت.

تجربه گذشته نشان داده است که دولت بعثی عراق پس از پیروزی انقلاب و واژگونی نظام سلطنتی وابسته به بیگانه در همه دسیسه‌های علیه میهن ما بنوعی دست داشته و بدستور اربابان خود طبق برنامه حساب شده از هیچ کوششی برای ناباسمان داشتن وضع ایران و کمک به اخلاک‌گران خودداری نکرده است.

بارها گفته و نوشته شده است که دولت نژاد گرای بعث عراق بعثت و وابستگی‌های انکار ناپذیر با امپریالیسم و بریدگی از مردم دشمن شناخته شده انقلاب اسلامی ملت ایران میباشد و حکومت ملی وظیفه دارد بی‌چ سازشکاری تکلیف خود را هرچه زودتر با آن یکسره کند.

در این نوشتار سپس آمده است «اکنون هم خبر ترمز چند هزار اجیر شده که بهترین سلاحها را دارند و استقرار چند لشکر ورزیده در نوار مرزی و گسترش خرابکاریها و تجاوزها در استانهای غربی کشور میتواند نشانه آن باشد که دولت دست نشانده عراق باردیگر برای یک توطئه بزرگ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران زمینه سازی می‌کند.

حزب ملت ایران به دست اندر کاران حکومت که بسختی در کشمکش برای انحصار

واکنش خونبار امپریالیست‌ها در برابر انقلاب ایران

ریشه‌های تاریخی تجاوز دولت نژادگرای بعث عراق عراق در جرگه مستعبدان «غیر متعهد»!

می‌رود و با آنها غذا می‌خورد و این دیدار چندین بار توسط «تلویزیون» بنمایش گذاشته می‌شود و بطوریکه خبرنگاران خارجی بیان کرده‌اند (لوموند ۲۱ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰) شاید بیش از پنجاه برنامه از این نوع تهیه شده است که بمرور به صحنه خواهد آمد!

صدام حسین از این طریق می‌خواهد بنمایاند که با قاعده هرم قدرت یعنی مردم در رابطه مستقیم می‌باشد.

دویست و پنجاه هزار تن نظامی عراقی از بهترین حقوق برخوردارند و پس از انقلاب ایران برای پانصد هزار کارمند و کارگر عراقی در حدود سی درصد اضافه دستمزد دستمزد تعیین گردید تا با اعتقاد گردانندگان حکومت سکوت مطلق در این گروه اجتماعی بوجود آید.

فرمانروایان تکریتی که در «جبهه مترقی ملی» بقدرت رسیدند، از سال ۱۹۷۸ میلادی کمونیست‌ها را نه تنها از کارهای دولتی کنار نهادند بلکه هر نوع فعالیت‌های سیاسی را تحریم کردند و در نتیجه همه سازمان‌های سیاسی و روشنفکران و مبارزان سنتی در محدودیت قرار گرفتند این مشکلات بر روی هم

بیشتر برای توده‌هایی است که کمابیش «سیستم» را پذیرفته‌اند و بی‌تردید بیش از یک چهارم جمعیت عراق را تشکیل نمی‌دهند و در ماه‌های پیش که برای اولین بار انتخابات عملی شد بیشتر این قشر از جمعیت عراق، «مشروعیت» آنرا قبول کرده بودند و نمایندگان انتخاب شده زیر سلطه حکومتی که باید فقط چهار ماه در سال برای تصویب قوانین و لوایح در مجلس حضور یابند، با این عده از مردم عراق پیوند دارند و بعثت امتناع بیش از سه چهارم جمعیت اصلی عراق که شیعیان و کردان می‌باشند و «بیرون از سیستم» مبارزه می‌کنند، هیچ دگرگونی از بیستم ژوئن گذشته، روز افتتاح نخستین مجلس عراق در جامعه محسوس نگردیده است و خطر قطعی نابودی حکومت نژادگرای صدام حسین را در

بدست گرفت و اعضای خانواده و خویشان نزدیک وی عهده دار حکومت جدید شدند، عدنان خیراله وزیر دفاع، ژنرال سعدون شاگر وزیر کشور، بارزان تکریتی رئیس امنیت، طارق عزیز ایدئولوگ حزب و حکومت و دهها تن دیگر از تکریتی‌ها یا وابستگان نزدیک به آنها که مورد اعتماد شخص صدام حسین بودند، هر کدام درجائی و مقامی مسوولیت یافتند.

انتخابات عراق زیر نظر این «قدرت سیاسی» که وزیر دادگستری و کاربدستان سازمان‌های محلی حزب را در بر میگرفت، چندماه پیش انجام شد از دویست و پنجاه تن عضو مجلس ملی عراق شصت درصد عضو حزب بعث و چهل درصد از وابستگان سازمانها و انجمن‌های سیاسی و اجتماعی عراق می‌باشند که از «اقمار» حزب حاکم بشمار می‌روند.

بدین طریق صدام حسین تکریتی بازرنگی هر چه تمامتر، علاوه بر قدرت اجرائی لشکری و کشوری و حزب، قدرت قانونگذاری را نیز در اختیار خود گرفت و برای اینکه از بعضی انتقادات بدور باشد، به استبداد ارتجاعی و ضد مردمی خود لباس آزادی و «پارلمنتاریسم» پوشاند.

استبداد صدام تکریتی صدام حسین بظاهر اعتقاد دارد که همه مردم عراق «بعثی» هستند و آن سان که در بعضی کشورها کوشش میشود تا اندیشه‌های «انحصار گرانه» بنام «ایدئولوژی» یا «مکتب» حاکم بر جامعه گردد و دیگر فکرها و ابتکارها نابود گردند، وی نیز تلاش میکند تا بعنوان دفاع از «اصول انقلاب» هر اندیشه‌ای و صاحب اندیشه‌ای را از میان بردارد.

در عراق بعثی از «دموکراسی» و «حریت» بسیار سخن می‌آید اما در عمل بدلیل اینکه «دموکراسی غربی» مناسب عراق و اصول اعتقادی حزب نیست نوع «عراقی» آنرا عرضه مینمایند که چیزی جز دیکتاتوری تک حزبی نمی‌باشد.

صدام حسین بسبب فرمانروایان استبدادی سنتی گاه بملاقات یک «فلاح» یا یک «کارگر

ژنرال حسن البکر بعنوان رئیس جمهور و صدام حسین معاون او بگونه عنصر فعال و کارگزار و سازمان دهنده دولت بعثی، زمامداران واقعی کشور شدند.

از آن تاریخ، موضعگیری‌های عراق با تحولات حکومتی ایران از یکسو و مبارزات مردم بپا خاسته آن از سوی دیگر، رابطه‌های بیشتری پیدا کرده که البته شناخت آنها مدد مینماید تا به درگیری‌های پس از انقلاب ایران با دولت عراق و سرانجام جنگ خونین کنونی آگاهی دقیقتری پیدا کرد.

حزب بعثی عراق ابزار ایدئولوژی سلطه گروهی از روشنفکران سوریه پس از جنگ دوم جهانی در مسیر مبارزه با استعمار فرانسه مقدمات تأسیس سازمان سیاسی شکل گرفته‌ای بنام حزب بعث را بوجود آوردند.

این حزب که دارای اندیشه‌های التقاطی «قومی» و «بین‌العربی» و «اشتراکی» بر مبنای «حریت» بود در سال ۱۹۴۴ میلادی برهبری میشل عفلق مسیحی «آموزگار» و صلاح بیطار «نظامی» فعالیت‌های خود را آغاز کرد و در سال ۱۹۵۳ میلادی پس از ائتلاف با حزب سوسیالیست سوریه (حزب الاشتراکیه) برهبری اکرم حورانی گسترش بیشتری یافت وزیر نام «حزب سوسیالیست بعث عربی» در بسیاری از کشورهای عرب از جمله عراق دارای نفوذ فراوان شد و البته در برخی از کشورهای عرب چون مصر بعثت شکوفائی نهضت عبدالناصر نتوانست قدرتی بدست آورد.

در مسیر حرکت‌های سیاسی و رویارویی با صهیونیسم نژادگرا و داشتن پیوندهای اندیشه‌ای با مغرب زمین و برداشتهای غلط از اسلام، یعنی قرار دادن این دین جهانگستر در چارچوب «قومیت عرب» اندک اندک جنبه‌های ترقیخواهانه این حزب تحت‌الشعاع پندارهای نژادی و غرب گرایانه قرار گرفت و در عراق بطور کامل جنبه‌های «اشتراکی» و «بین‌العربی» خود را از دست داد و با سرکوبی آزادی (حریت) و پیوند با سلطه‌های فرهنگی غرب، به گونه ابزار ایدئولوژیک قدرت حاکم درآمد و همان حالتی را پیدا کرد که هم‌زاد و همنامش در ایران (حزب رستاخیز) بر مبنای آن بوجود آمده بود.

در داخل حزب بعث عراق چند دستگی‌ها و گرایش‌ها و سلیقه‌های گوناگون وجود دارد که عمده‌ترین آنها تضاد طرفداران سوریه با دولت حاکم بر عراق است که چندی پیش بدنبال سیاست «تصفیه» صدام حسین، بسیاری از هم‌زمان و همکاران از این نوع یا کنار گذاشته شدند یا چون عرفان حسین و عبدالخالق سامرهای و دهها تن دیگر از کادرهای رهبری حزب، بقتل رسیدند. باید یادآوری کرد که حزب بعث از همان ابتدا در عراق نتوانست میان شیعیان و کردان نفوذ کند، عرب‌های اهل تسنن که به این حزب علاقمندی نشان داده بودند بمرور دچار تردید گردیدند چه گروهی هنوز به اتحاد با سوریه اعتقاد دارند و برخی از آنان «ناصری» مانده‌اند و دسته‌هایی به گرایش‌های مختلف کمونیستی پیوسته‌اند و بعضی در خط «قومیت» و «شعبیت» منتهای حزب بعث هستند و گروه‌هایی چون دیگر سازمان‌های موجود در کشورهای عربی، به اندیشه‌های اسلامی وفادار می‌باشند و بر روی هم حزب حاکم بر عراق نتوانست در جامعه از اقبال مردمی و حقانیت اجتماعی برخوردار باشد.

نقش «تکریتی»‌ها در حزب بعث تکریت که نام قبیله و منطقه‌ای در عراق است از قدیمترین ایام در تاریخ اسلام شناخته شده می‌باشد و بر طبق شهرت‌های تاریخی، حاکم خونخوار کوفه و فرمانده لشکریان یزید بن معاوی در ماجرای کربلا یعنی ابن زیاد و پدرش «زیاد بن ابیه!» از این طایفه بوده‌اند.

تکریتی‌ها در مخالفت با شیعیان و بمرور با «ایرانیها» اعم از فارسی زبانان و کردزبانان شهرت داشته‌اند.

افراد این قبیله بی‌آنکه به تحلیل «ایدئولوژیک» پرداخته باشند، طبق سنت‌های قبیله‌ای به حزب بعث وابستگی پیدا کردند و صدام حسین که به اعتباری از «خان»‌های آنها می‌باشد با حیل‌گری‌های سازمانی و سیاسی از بدو کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ بمرور قدرتهای حزبی و حکومتی را به اعضای قبیله خود تفویض میکرد و سرانجام در ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹ برابر بیست و پنجم تیرماه ۱۳۵۸ خورشیدی با کنار گذاشتن حسن البکر بعثت «وضع بد مزاجی» خود قدرت را بطور کامل هم در کشور و هم در حزب

ماده‌هایی از پروتکل تعیین مرز رودخانه‌ای

بین ایران و عراق

امضاء شده در تاریخ ۱۳۵۴/۳/۲۳

ماده ۱/۲- خط مرزی در شط‌العرب از نقطه‌ای که مرز زمینی بین ایران و عراق به شط‌العرب میرسد تا دریا- مسیر خط تالوگ یعنی خط میانه کانال اصلی قابل کشتیرانی در پایین‌ترین سطح قابلیت کشتیرانی را طی میکند.

ماده ۲- خط مرزی بنحوی که در بند ۱ فوق تعریف شده با تغییرات ناشی از علل طبیعی در کانال اصلی قابل کشتیرانی، تغییر خواهد نمود خط مرزی بر اثر تغییرات دیگر تغییر نخواهد کرد مگر آنکه طرفین متعاهدین موافقتنامه خاصی برای این منظور منعقد نمایند.

ماده ۷-۱- کشتی‌های تجارتي و دولتی و نظامی طرفین متعاهدین از آزادی کشتیرانی در خط شط‌العرب برخوردار خواهند بود و صرف‌نظر از حدود دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت‌های قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمین تا مصب شط‌العرب ماده ۳/۷- هر یک از طرفین متعاهدین می‌تواند ورود کشتی‌های نظامی خارجی را در شط‌العرب برای بازدید از بنادر خود اجازه دهد مشروط بر اینکه کشتی‌های مزبور به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین متعاهدین باشد- متعلق نبوده و مراتب در مهلتی که از هفتاد و دو ساعت کمتر نباشد- به طرف دیگر اعلام گردد.

ماده ۴/۷- طرفین متعاهدین در تمام احوال از صدور اجازه ورود به شط‌العرب برای کشتی‌های تجارتي متعلق به کشوری که در حال مخاصمه یا تعرض مسلحانه و یا جنگ با یکی از طرفین باشد- اجتناب خواهند نمود.

ماده ۱/۸- مقررات مربوط به کشتیرانی در شط‌العرب توسط یک کمیسیون مختلط ایران و عراق بر مبنای اصل حقوق متساوی کشتیرانی دو دولت- تنظیم خواهد شد.

ماده ۲/۸- طرفین متعاهدین کمیسیونی بمنظور تنظیم مقررات مربوط به جلوگیری و کنترل آلودگی شط‌العرب تشکیل خواهند داد.

ماده ۳/۸- طرفین متعاهدین متعهد میشوند متعاقباً موافقتنامه‌هایی درباره مسائل مذکور در بندهای ۱ و ۲ ماده حاضر منعقد نمایند.

ماده ۹- طرفین متعاهدین- با اذعان باینکه شط‌العرب اصولاً یک آبراه کشتیرانی بین‌المللی است- متعهد میشوند از هر نوع بهره‌برداری که نقضاً مانع کشتیرانی در شط‌العرب و دریای سرزمینی هر یک از دو کشور در تمامی قسمت‌های قابل کشتیرانی واقع در دریای سرزمینی تا مصب

همین رابطه باید بازیابی کرد. مبارزه کردان و شیعیان عراق

از بدو روی کار آمدن حزب بعث سرکوبی کردان پس از مدت کوتاهی، آغاز گردید. بسیاری از دهکده‌ها و شهرها و خانه‌های مردم کردستان ویران شد و ساکنان آن منطقه یا به ایران آمدند یا زیر بمب‌های دولت بعثی بقتل رسیدند.

این جنایت که پس از سازش با شاه خلع شده ایران و کشتار دامنه‌دار در ظاهر فروکش کرد، نتوانست کینه‌ها و دشمنی‌های تاریخی را پایان دهد و آرامش نسبی حاکم بر کردستان عراق بمقدار زیاد بعثت سلطه ارتش در بخش‌های شمالی کشور می‌باشد و با اینکه «بغداد نشینان» بعضی «ظاهر سازیه‌ها» در سرزمین کردان انجام داده‌اند، اما این امر بحکم خصالت‌های فرهنگی، به هیچ صورت آنان را مطیع و علاقمند بنظام حاکم نکرده است

مبارزات پارت دموکرات کردستان عراق از یکسو و اتحادیه میهنی کردستان از سوی دیگر دلیل این امر است.

و اما شیعیان که شصت درصد جمعیت عراق را تشکیل می‌دهند بخش عظیمی از آنان دارای تبار ایرانی می‌باشند، سخت زیر اثر انقلاب اسلامی ملت ایران قرار گرفته و بحکم علائق تاریخی و مذهبی نسبت به عراق دارای احساسات ویژه‌ای هستند و در گذشته هم مبارزه آنان علیه استعمار انگلستان خود نشانگر این حقیقت بوده است.

دولت بعثی عراق پس از پایان سرکوبی کردان، به مصاف شیعیان آمد، در تعلیمات مدرسه‌ها و حوزه‌ها و برگزاری آئین‌های مذهبی اشکالاتی بوجود آورد. چندین بار به راهپیمایی‌های مذهبی در روزهای تاسوعا و عاشورا حمله کرد و عده‌ای را به قتل رساند. فعالیت حزب «دعوت الاسلام» شیعیان را ممنوع ساخت عده‌ای از علمای مذهبی و طلاب علوم دینی را از عراق اخراج کرد و مدرسه‌های متعلق به آنان را تعطیل نمود.

بطور دقیق همان کاری را که اسرائیل پس از غصب سرزمین فلسطین انجام داد و خانواده‌های فلسطینی ریشه‌دار را از دروازه ژنرال النبی به بیرون سرزمین‌های تسخیر شده گسیل داشت، عراق نیز نسبت به پنجاه هزار شیعی همین کار را انجام داد. بن گوریون و صهیونیست‌ها بدنبال جنایات خود، گروه «لا جئین فلسطین» باقی گذاشتند و صدام حسین و بعثی‌های مزدور «معاودین عراقی».

اکنون بخوبی روشن است که بی‌حرمتی به مقام امام خمینی در دوران اقامت در عراق و سرانجام هجرت ایشان، فقط در رابطه با دسیسه‌های نظام حاکم بر ایران نبوده و بی‌شک سکونت حضرت آیت‌الله العظمی خمینی در عراق و الهام‌بخشی در ایجاد انقلاب در آن سرزمین نیز برای دولت بعثی عراق اضطراب می‌آفریده است.

زندانی کردن مرحوم آیت‌الله سیدباقر صدر و سختگیری به آن سیدجلیل القدر و سرانجام شهادت ایشان در رابطه با جناحیتهای ضداسلامی حکومت استبدادی تکریتی‌ها در عراق می‌باشد.

ستمگری‌های حزب بعث پس از شهادت آن رهبر اندیشه‌شور اسلامی علیه شیعیان شدت بیشتری یافت و هم‌اکنون بسیاری از ساکنان عراق بجرم تشیع و علاقمندی به انقلاب اسلامی ملت ایران و رهبر عزیز آن در زندان‌های عراق شکنجه میشوند و بی‌آنکه کسی بداند به شهادت میرسند.

عراق و مکانیسم سلطه

اکنون این پرسش بمیان می‌آید حکومتی بدین صورت که هیچ پایگاه مردمی در جامعه ندارد، چگونه پایدار مانده است؟ همان پرسشی که در باره نظام سلطنتی وابسته به بیگانه در ایران نیز مطرح بود.

در گذشته حکومت‌های مستبد در سرزمین عراق یا کشور ایران وجود داشته‌اند اما این حکومت‌های سنتی بصورتی از بخشی از جامعه یا برخی از نهادهای آن «حقانیت» میگرفتند یا بزور شمشیر و همبستگی‌های تیره‌ای و قبیله‌ای می‌توانستند بر مردم فرمانروائی نمایند و زمانی که ساخت حقانیت یافته آنها تزلزل می‌یافت، توسط قدرت جدید حقانیت گرفته‌ای، نابود میشدند.

اما استبدادهای جدید همه‌گانه در رابطه با سلطه‌های خارجی شکل می‌گیرند بهمان صورت که دودمان پهلوی، جز در پیوند با امپریالیسم و بغارت دادن هستی اقتصادی ملت حیات نداشت.

عراق، این کشور استعمار ساخته تا کودتای عبدالکریم قاسم، بصورت «مجموع» اداری و

اقتصادی وابسته انگلستان بود ولی از آن به بعد تا چندی به سوی سیاست استقلال رفت و در عین حال با روسها نیز رابطه‌هایی نزدیک برقرار کرد که پس از کودتای علیه عبدالکریم قاسم و کشته شدن وی و روی کار آمدن عبدالسلام عارف بکمک یک جناح از حزب بعث این وضع سیاسی ادامه داشت.

پس از جنگ ژوئن ۱۹۶۷ عراق در ظاهر با امریکا قطع رابطه کرد و چندی بعد از کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ دولت بعثی بشدت به روسیه و کشورهای اروپای شرقی نزدیک شد.

تا نیمه‌های سال ۱۹۷۹ بیش از هشتاد درصد تسلیحات عراق توسط روسیه تامین می‌گردید و معاملات عمده تجاری نیز با «اقمیر» این «ابر قدرت» انجام میشد.

نظامیان و متخصصان عراقی در کشورهای کمونیستی پرورش می‌یافتند و مستشاران و معلمان فنی و نظامی روسی در شهرها و پادگان‌های عراقی اقامت داشتند.

با اوجگیری انقلاب اسلامی ملت ایران سیاست خارجی عراق جهت‌گیری جدیدی کرد و روسی آمریکا که ضربه سختی از ایران خورده بود، گرایش یافت ولی این حرکت بدان صورت نبود که پیوندهای روسیه بکلی قطع شود.

در سال ۱۹۷۹ یعنی یکسال پیش عراق بیش از یک میلیارد و پانصد میلیون دلار اسلحه از روسیه خریداری کرد در همین سال رقم صادرات آمریکا به عراق بیش از یک میلیارد دلار بوده است.

پنج فروند جت بوئینگ اولین قلم خرید هواپیمای آمریکا بشمار رفت و برژنسکی در چندماه پیش بیان کرده که میان بغداد و واشنگتن هیچ «اختلاف عمیقی» وجود ندارد و ماسکی وزیر خارجه ایالات متحده ادعا نموده که عراق می‌تواند «نقش عمده‌ای» در منطقه ایفا نماید. دولت صدام حسین با دیگر «ابر قدرت‌ها» و «قدرت‌های» غربی نیز رابطه استواری دارد.

بسیاری از کمبودهای نظامی عراق از طرف فرانسه و ایتالیا تامین گردید و با توصیه آمریکا دوازده ناو جنگی توسط ایتالیا به عراق تحویل شد.

از اندونزی هلیکوپترهای فرانسوی خریداری گردید و فرانسه برای عراق راکتور اتمی ساخت. در حالیکه مارکوس مسلمانان را قتل عام می‌کند، عراق با حکومت فیلیپین در سطح سفارت رابطه سیاسی برقرار کرد.

دولت بعثی تعهد نمود نفت ایتالیا را بخرند که باشد تامین کند و پس از قطع فروش نفت ایران، برای تامین نیاز مندیهای ژاپن تا سه میلیون تن استخراج نفت خود را افزایش داد و در زمانی که دوناونجنگی آمریکا در جیبوتی لنگر انداختند، دولت «ضدامریالیستی» عراق چهارده میلیون و پانصد هزار دلار به آن کشور هدیه داد.

با این کردارهای سیاسی، برخلاف نظر بسیاری از تحلیل‌گران، عراق نه تنها در خط استقلال قرار ندارد، بلکه موجودیتش بعثت‌های منطقه‌ای بگونه «برآیند» قدرت نمائی دوا بر قدرت جهان می‌باشد و برای تاریخ شناسان ایران، اندر یافت این وضع آسان است چه تاریخ معاصر ایران «موازنه»ها را آشکار ساخته است و بیش از یک قرن و نیم ملت ما هم «نفی» آنرا می‌شناسد و هم «تسبوت» آنرا آنچه در عراق امروز حاکمیت دارد، «توازن عدمی» نیست بلکه با حساب دقیق سیاست شوم «توازن ایجابی» علیه مردم آن دیار جریان یافته است که در مسیر آن علاوه بر تاراج دادن دارائی و ذخیره‌های نفتی و خرید سلاحهای گوناگون و باد کردن نهاد ارتش بگونه پاسدار منافع ابر قدرت‌ها در منطقه، توسعه نیافتگی و از رشد ماندگی کشور به بهای سرکوبی نهضت‌های استقلال طلبانه دیگر ملت‌های جهان از جمله در میهن آزاد شده مآثرهای نامیمون آن می‌باشد.

عراق در جرگه متعهدان «غیر متعهد»!

زمانی که پیر خرد و نماد جاودانگی ایران دکتر مصدق و پس از وی رهبران بزرگی چون نهرو و سوکارنو و تیتو و عبدالناصر خط درخشان «عدم تعهد» را ترسیم میکردند، گمان نمی‌بردند روزی، کشورهای وابسته‌ای چون عراق و همانند‌های آن خود را پیش آهنگ این راه بدانند و بزرگترین انحراف رادر حرکت استقلال ملتها بوجود آورند.

دولت استعمار ساخته و مزدور عراق طی دهسال اخیر در فعالیت‌های کشورهای «غیر متعهد» شرکت کرد و از ۱۳ تا ۱۷ ژوئیه سال جاری بمناسبت دوازدهمین سالگرد بقدرت رسیدن حزب حاکم در عراق اجتماع بزرگی از «غیر متعهدان» رادر بغداد برپا داشت در کنفرانس جهانی «هاوانا» صدام حسین شرکت کرد و هم اکنون بغداد در حال فراهم آوردن مقدمات کنفرانس دولتهای «غیر متعهد» است.

وابسته به امپریالیسم در اندیشه رسیدن به پایگاهی است که فیدل کاسترو در کنفرانس اخیر آن را بر عهده داشت.

دولت عراق جهت تبلیغات سیاسی، به برخی از کشورهای «غیر متعهد»، کمک‌های مالی میدهد و در ظاهر خود را مدافع «نهضت‌های آزادی بخش» معرفی میکند اما نیز نگ و انحراف در تمام رفتارهای آن مشهود است.

از جمله نزدیک به پانزده سال است که علیه صهیونیسم و دولت غاصب سرزمین‌های اشغالی سخن بمیان می‌آورد و حتی علیه قرار نامه ۲۴۲ شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد فلسطین، «جبهه امتناع» می‌سازد، اما همه این سر و صداها از مرحله «حرف» خارج نمی‌گردد و تاکنون دولت عراق هیچ «عملی» بسود فلسطین انجام نداده و در هیچیک از جنگها شرکت نداشته است.

این دولت «ضد ارتجاعی» و «آنتی امپریالیست»! با عربستان سعودی در سرکوبی انقلاب ایران اتحاد برقرار میکند، با اردن و مراکش و موریتانی و یمن شمالی و کویت و مصر و دیگر کانونهای وابسته و ضد مردمی عرب رابطه نزدیک بوجود آورده و آنها را علیه ایران بسیج می‌نماید.

اکنون بطور روشن و آشکار می‌توان اعتقاد یافت که عراق از یکسو و مصر از سوی دیگر سرکردگی کشورهای عرب را علیه ملت‌های خاورمیانه برعهده داشته و همگام با اسرائیل غاصب و غارتگر، بسود امپریالیست‌های جهانخوار، سرکوبی نهضت‌های استقلال طلبانه را وظیفه خود داشته‌اند.

مسائل اختلافی ایران و عراق

از زمان عثمانی‌ها تا دوران سلطه استعماری بریتانیا بر بین النهرین، همه گاه در مورد مرز، اختلافاتی میان ایران و حکومت‌گران منطقه وجود داشته است. همه گفتگوها و قرارهایی که زیر سلطه استعماری گذارده میشد با شکست روبرو میگرددند تا اینکه در سال ۱۹۳۷ میلادی در دوران سلطنت استبدادی رضاخان، قرار دادی را بر ایران تحمیل کردند که بموجب آن کناره شرقی شط العرب یا اروند رود، مرز ایران و عراق به حساب آمد که البته این امر نمی‌توانست مورد پذیرش مردم ایران قرار گیرد.

پس از یک سلسله کشمکش‌ها و قتل عام‌ها در کردستان عراق، بدنبال زد و بند‌های جدید سیاسی امریکا با سیاست‌گران عراقی و ایرانی، در پی دیدار شاه خلع شده با صدام حسین در الجزایر، توافقنامه‌ای در چهارده ماده در ۱۷ اسفند ماه ۱۳۵۳ امضاء شد که بر مبنای آن قرار دادی در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۴ بر پایه خط «تالوگ» (خط منصف یا منصف المیاه که پس از کنگره راشاد در سال ۱۷۹۸ میلادی معمول گردید)، اروند رود بدو کشور ایران و عراق تعلق یافت و کشتی‌ها بانصب دو پرچم عبور میکردند و در بندرهای دو طرف لنگر می‌انداختند.

این رویه با آنکه بطور کامل حقوق تاریخی ایران را تامین نمی‌کرد اما تا پایان نظام سلطنتی زیر سلطه اجرا میشد و دولت بعثی عراق هم با امتیازهای دیگری که گرفته بود، از این امر رضایت کامل داشت.

اما صدام حسین در بیست و ششم شهریور ۱۳۵۹ در مجلس ملی عراق که ساخته شده خود وی بود لغو قرار داد الجزایر را اعلام کرد و ضمن طرح ادعاهای ارضی جدید بیان داشت که مالکیت بر این رود به عراق باز می‌گردد.

تلاش‌های گذشته دولت بعثی عراق نشان میدهد که کار «جابجائی چند نقطه مرزی» یا «اداره شط العرب» بهانه‌ای بوده‌است تا بدنبال آن حرکت‌های نظم گرفته‌ای تحقق یابد.

که نابود کردن نظام جمهوری اسلامی ایران هدف اساسی آن می‌باشد.

نشانه‌های شوم آن را مردم ایران بشرح زیر دیده‌اند:

- پیش از استقرار جمهوری اسلامی ایران:
- همکاری با شاه جنایتکار در سرکوبی حرکت‌های انقلابی مردم ایران
- مخالفت با رهبر عالیقدر جنبش و مرجع مذهبی
- عناد و کینه‌ورزی با ایرانیان و شیعیان ساکن عراق
- و پس از استقرار جمهوری اسلامی در ایران:
- فتنه‌انگیزی و تحریکات در کردستان ایران
- پناه دادن و فراهم کردن تسهیلات تبلیغاتی و خرابکاری برای «ضدانقلاب»
- توطئه در خوزستان با ایجاد سازمان‌هایی چون «حرکت التحریر الاهواز» یا «حرکت آزادی بخش عربستان» و کمک به آنها.
- تلاش برای زاندار می خلیج فارس بسود

امپریالیستها

- ادعای مالکیت سه جزیره ایرانی خلیج فارس - تبلیغات ابلهانه درباره تغییر نام خلیج فارس به «خلیج عربی»

- انتشار خبرهای دروغ درباره انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران

- بمباران‌های بیپای در خطوط مرزی - گسیل جاسوسان به ایران و اغتشاش در شهرهای آبادان خرمشهر و اهواز.

- ادامه سیاست سخت‌گیری نسبت به شیعیان و ایرانیان و اخراج آنها و زندانی کردن گروهی از مبارزان و کشتن برخی از برجستگان شیعی.

- قرار گرفتن در خط سیاسی مصر علیه نظام جدید سیاسی ایران

و سرانجام همکاری با اسرائیل و سازمان‌های جاسوسی و نظامی آن علیه منافع ملت ایران. بدین اعتبار جنگ عراق با ایران از بدو پایگیری نظام جمهوری اسلامی ایران آغاز شد و بسیاری از سیاست‌گران آگاه و ایراندوستان آرزومند آن بودند که این امر توجه کردند و خطر عراق زیر سلطه را یاد آور شدند.

این توطئه‌ها از خرداد ماه ۱۳۵۸ با بمباران دهکده‌های مرزی شدت یافت و در ساعت دو و نیم بعد از ظهر روز سی و یکم شهریور ماه ۱۳۵۹ جنگ تحمیلی امپریالیستها توسط عامل مزدورشان، دولت نژاد گرای بعث عراق وارد مرحله جدیدی شد که هم اکنون ادامه دارد.

انقلاب، تنها ره رهایی

انقلاب اسلامی ملت ایران، اگر بگونه مردمی‌ترین انقلاب‌های جهان بشمار نیاید بی‌تردید یکی از آنهاست و در منطقه تنها انقلاب بشمار میرود.

این انقلاب بعثت بر خورداری از عامل مذهب و اثر بخش‌های مذهبی و فرهنگی بر پیروان اسلام و برانگیختگی آنان، برای جهانخواران خطر بزرگی بحساب آمده است. جمهوریهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز و افغانستان اشغال شده در یکسو و پاکستان و بنگلادش و مالزی و اندونزدی و فیلیپین در سوی دیگر و ترکیه و کشورهای عربی در بخش باختری کشورمان، در جمع اقیانوسی هستند که در مرکز آن ایران تلاطم و هیجان کم نظیری را بوجود آورده است که سرزمینهای مزبور نمی‌توانند بدور از اثرهای آن قرار گیرند.

ابر قدرت‌ها و قدرتها که هر کدام به شیوای بر کشورهای اسلامی سلطه یافته‌اند، در صددند این کانون اصلی حرکت را نابود سازد.

تا آنجا که میخواستند و می‌توانستند علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران دسیسه و کارشکنی بعمل آوردند و بعثت ناکامی‌ها به آتش اختلاف‌های کوچک، دامن زدند و جنگ را در غرب کشورمان بر پا داشتند.

حکومت صدام حسین که در تحلیل ما برآیند «موازنه مثبت» دو ابر قدرت جهانی در عراق است اکنون بعثت تمایل بیشتر به امپریالیسم امریکا، در خط سرکوبی انقلاب ایران قرار گرفته است و این نوع قدرت‌های وابسته، بعثت نداشتن پایگاه‌های مردمی در پیوند با سلطه‌گران برای چنین فرصتهایی پرورش یافته‌اند.

بزیان دیگر علت وجودی حکومت‌هایی نظیر دولت صدام حسین همین وابستگی‌هاست و علت تأیید امپریالیستها از این نوع حکومت‌ها همین خوش خدمتی‌ها. چنین است ماهیت نظام‌های استبدادی وابسته به امپریالیسم، البته این حرکت جنایتکارانه و این «جنگ تحمیلی» بگونه‌ای نیست که فقط پای امریکا در میان باشد و دیگر ابر قدرت‌ها منزه بشمار آیند.

حمله یک کشور متجاوز به سرزمین‌های مردمی که در دوران سازندگی انقلاب خود هستند بهر صورت محکوم است و هر کشوری که ادعای بیطرفی کند، نشان میدهد که طرفدار کشور متجاوز می‌باشد.

بهمین دلیل جنگ ایران با عراق زیر سلطه تکریتی‌ها، جنگ علیه امریکای جهانخوار و دیگر ابر قدرت‌هایی است که در منطقه صاحب نفوذ می‌باشند و چون این نبرد، با تدارک‌های یکسویه آغاز شد و دولت ایران، تمایل بنه این جنگ نداشت و نمی‌خواست به دلخواه جهانخواران با صرف میلیارد‌ها دلار به برادران مسلمان عراقی خود آسیب رساند، فقط در مقام دفاعی قرار گرفت و اکنون با این شناخت هر کشور خارجی که با ما نباشد بر ما خواهد بود و این امر درباره کشورهای بزرگ بیشتر صادق است.

امریکا و روسیه و دیگر قدرتهای اروپائی اگر از حکومت صدام مزدور دفاع میکنند، روشن است که چه علت دارد، اما برخی از کشورهای مسلمان که با

ما ادعای برادری دارند و برخی از نهضت‌های رهایی بخش جهان که مورد تأیید همه جانبه جمهوری اسلامی ایران قرار گرفتند، چرا در این برهه تاریخی سکوت می‌کنند؟

ملت ما از ملک حسن و ملک حسین وسادات و ملک عربستان و امیر کویت و آلت‌های دیگر استعماری نظیر آنها توقع دوستی ندارد، اما چه شده‌است که «متعهدان» مسلمان آنان که سردمدار جبهه سیاسی «غیر متعهدان» جهانی هستند، دولت تجاوزگر عراق را محکوم نمی‌کنند؟

کدام کشور در جهان به اندازه ایران، علیه سلطه‌گران و بسود ستمدیدگان تاریخ بی‌اخاسته است؟

کدام کشور باندازه ایران متجاوزان جهانخوار را بوحشت انداخته است. کدام کشور باندازه ایران در منطقه توانسته است علیه اسرائیل تجاوزگر و صهیونیسم حرکت مردمی و «عملی» بوجود آورد؟

کدام کشور باندازه ایران بمعنای واقعی کلمه در مقابل امپریالیستها «عدم تعهد» اختیار کرده است؟

حال چه شده است، «برادران عزیز» و «قیم»‌های استعمار زدگان، رضایت داده‌اند که دولت بعثی وابسته و مزدور عراق علیه این سنگر آزادی و دفاع از ملتها آشکارا تجاوز نماید، عراق که اگر روزی نیروهای زمینی خود را جا به جا میکرد، مورد انتقاد شدید دولت غاصب اسرائیل قرار می‌گرفت، حالا چه شده است که نیروی هوائی خود را در اردن زیر نظارت اسرائیلی‌ها پنهان می‌سازد و جنگش با ایران مورد تأیید و خوشحالی صهیونیستها قرار می‌گیرد؟

ملت ما که پس از انقلاب برغم تبلیغات زهر آگین شاه جنایتکار در مسیر حرکت‌های ضد امپریالیستی «برادران عرب» قرار گرفت، چه شده است که دبیرکل اتحادیه عرب تا این اندازه بی‌انصافی کند و به هیچگونه تحقیق و پادرمیانی از عراق متجاوز حمایت نماید. تکرار میشود مردم ما از سادات خائن که سر باز به جبهه عراق می‌فرستد و انتظار «سقوط خمینی» را دارد هیچ انتظار ندارد، اما آنها که با ایران بودند چرا بر ایران شدند؟

ملت ما، یکبار دیگر به گفتار امام خمینی رهبر شکست ناپذیر انقلاب خود باز میگردد و اعتقاد می‌ورزد که ملت‌های مسلمان باید حرکت کنند و دولتهای برگزیده خود را تعیین نمایند.

مردم مسلمان ایران، همه مسلمانان جهان را «برادر» خود میدانند و جنگ با آنها را نیز «اسلامی» نمی‌شمارند، اما معلوم میشود «قیم»‌های برادران مسلمان «با دشمنان برادران مسلمان» بیشتر «مجموعه» میدهند تا با خود برادران مسلمان و «دوستان» برادران مسلمان.

آنان که خود را رهبران کشورهای اسلامی بشمار آورده‌اند، کمابیش با اسلام همان رابطه‌ای را دارند که خلیفگان خرف و ملوک جنایتکار با توده‌های مسلمان در طی تاریخ داشته‌اند.

مردم رها شده میهن ما نیز که در شوق آزادی و بازگشت به خویش، برداشتهای مبهمی از جهان اسلام داشتند، باید بیشتر به خود آیند و فریب آرزو پروریهای «انترناسیونالیسم» را بهر شکل باشد، نخورند و هویت ملی و ایرانی خود را فراموش نکنند.

از این جنگ بی‌وزمند درسی بگیرند که در طنین «الله اکبر» میدان‌های نبرد شور میهن دوستی بود که کار ساز در هم شکستن دشمن گردید و حماسه‌های درخشانی را در صحنه‌های پیکار بوجود آورد.

باید این «جوهر حرکت» را شناخت و به آن ارج نهاد، باید به «ایرانیّت» خود آگاهی یافت و «اسلامیت» را بر آن بنا نمود.

باید این «خود»‌های فراموش شده را در پهنه «آشنائی»‌ها قرار داد و مسیر «تکامل» را در این رابطه بازشناسی کرد.

باید خود را شناخت و خود را در خط بهتر شدن دگرگون ساخت و در این دگرگون سازی، از پایه دیگر ملت‌های جهان را نیز دگرگون کرد.

این امر عظیم انسان سازی، در رابطه با سیاست‌گری‌های روبنائی تحقق پیدا نمی‌کند، باید جامعه‌های اسلامی، از بنیان دگرگون شوند، و اندیشه‌های التقاطی و ترس‌های روانی و بتهای سیاسی حاکم، همه در دوزخ سوزان خودی، بسوزند، تا تفکر درخشان یکتا پرستی حاکمیت غصب شده خود را بدست آورد.

جنگ دلاوران ایرانزمین با مزدوران بعثی عراق، آن نوکران بی جیره و مواجب امپریالیسم روشن کرد که راه پیروزی یکی است و آنها هم از این طریق که تاریخ نشان داده است.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

چشمه عشق هرگز نخواهد خشکید

از سرزمین خویش از تکاپو باز نایستد. ما رابه جنگ کشانیده اند و چه باک، گرچه ناخواسته این جنگ را بر ما بار کرده اند، اما نه فسوس مامرد کارزاریم و از جنگ رونخواهیم گردانده بر آن پای خواهیم فشرود. ولی جنگ راقاعدهها می باشد و باید این قاعدهها رابه کار بست، تاپیروزی فراز آید و گرنه کام دشمن رواست و تلخترین روزگار از آن ماکه کام به دشمن دهیم.

اگر نخواهیم که کام به دشمن گردن گذاریم، اصلی ترین قاعده جنگ، جمعی بودن آن است. جنگ را باید از تلاش فردی تمیز داد و دانست که گرد آمدن بر اساس یک نظم شرط پیروزی است.

و می باید همه، بی توجه به هر تفاوت که دارند در زیر یک درش و زیر یک فرمان، به جنگ بر اساس شیوههایش بپردازند. هر گونه ابتکار فردی می باید در مجموعه در هم تنیده نظام جنگی جای داده شود و هیچکس بنا به تشخیص خود نباید، مستقل از دیگران به تلاش برخیزد.

مجموعه نظام جنگی علاوه بر صفتندی در جبهه به تدارکهای بسیار در پشت جبهه، اتکا دارد و هر کدام از ما می توانیم در فراهم آوردن آن اثر بگذاریم.

از آن رو که جنگ همه چیز را از همه باز می ستاند باید همگان به رهیاری دشمن برخیزند. استبدادی ترین شیوههای شوررداری از جنگ سرچشمه می گیرد و دولت پیروز در جنگ بر همه چیز سرزمین و مردمان شکست خورده دست تجاوز دراز می کند.

روشنترین بیان ممکن از سلطه دشمن پیروز در قاعدههای

جنگی رومیان آمده است. رومیان آنگاه که شهری را می گشادند از مردم شهر یا نمایندگان آنان می خواستند تا سند تسلیم و پذیرش شکست را امضاء کنند.

جوهر اصلی سند تسلیم این عبارت تاریخی بود که طرف از پا در افتاده امضاء و اعلام می کرد. «من از خود، شهرم، زمینم و آب جاری در آن، خدایانم، معابد، اشیاء منقولم و همچنین تمام اشیائی که به خدایان و به ملت رم متعلق است چشم می پوشم.» (نقل از کتاب جامعه شناسی جنگ نوشته گستون بولزل).

این سند تسلیم عصاره و چکیده نتیجه های شکست در جنگ است و چگونه می توان چنین نوشته ای را امضاء کرد و پس از آن به زندگی ادامه داد.

در جنگهای کنونی، گرچه چنین نوشته ای پیش روی شکست خوردگان قرار نمی دهند ولی حاصل جنگ برای آنکه فرو افتاده، چیزی جز این نمی باشد و بی گفتگو از اینهم سنگین تر است.

در جنگهای کنونی، دشمن پیرومند، نه همان که هم مدار و ندار به بیغما می برد و بر هر شرف و عزت شکست خوردگان دست تجاوز دراز می کند، بلکه اندیشه آنها را هم به واری می کشد.

شکست خوردگان در درون ذهن خویش هم نباید که جز آنچه دشمن می خواهد جای بدهند، شکست خوردگان باید به فرزندان خود آن چیزها را بی آموزند که دشمن می خواهد شکست خوردگان در جنگهای کنونی، بسیار دیر و دشوار خواهند توانست که از نتیجه های جنگ خود را نجات دهند، زیرا هر دشمن پیرومند، وسیله آن را دارد که باز بینی سخت و همه جانبه بر سراسر سرزمین زیر

سلطه خود بگستراند. اینک دشمنی که بر ما هجوم آورده است، تنها به راه آوردهای جنگ بر خود بسنده نخواهد کرد دشمنی که بی هیچ دلیل روشن ما را به جنگ کشانیده است با ما و با شیوه اندیشیدن و زیستن ما، با فرهنگ و تاریخ ما، سخت کینه می ورزد و کینه ای انباشته و بی اندازه.

اگر بر ما چیره شوند، که بی گفتگو چنین نخواهد شد، از هیچ چیز ما نخواهند گذشت. دشمنی که رودر روی ما ایستاده، به دلخواه خویشتن این ماجرا را نیافریده است.

همه ابرقدرتهای بداندیش، آنرا بدین تهاجم برانگیخته اند و اندک سستی در این نبرد، سیلی از بداندیشان از چهار گوشه جهان بر سر ما روان خواهد ساخت.

افزون بر این بسیاری از ملتها چشم به نبرد ما دوخته و امید بسیاری از آزادگان جهان به پیروزی ما بسته است چرا که دریافته اند پیروزی ما، پیروزی آنها است.

در جنگی که درگیر شده ایم بسیار کسان ستم دارند، در این جنگ ما پرچم آزادی را برافراشته ایم، ما مسئولیت تاریخی سنگینی به دوش می کشیم. از پیروزی ما همه محنت رسیدگان جهان غرق شرف خواهند شد.

همه آنهایی که از درهم شکستن ستم و برافراشتن باروری دادگری سخن رانده اند، باید که به میدان آیند و با گردن گذاشتن به نظام جنگی در پیشبرد این جنگ بکوشند.

همه کشورهای درگیر در جنگ، همواره به این نکته توجه کرده اند و به هنگام جنگ، هر برخورد عقیدتی را رها کرده و شتابان به برافراختن دشمن پرداخته اند.

هر امید از خصم برگرفت باید هر مدارا باوی را به کناری نهاد، باید تیغ بر کشید و به ستیز شد و باید از هیچ نهیب دشمن پروا نکرد.

باید یاران یکدل شوند، که شده اند، و سلاح بر گیرند و دست در دست هم مهبای آن باشند که رودر روی خصم بد دل به جدال ایستند.

هجوم دشمن و جنگ، هم مصیبت است، هم فرخندگی.

مصیبت است از آن رو که کشتارهای ما را خشک می دارد و رمه های ما را زمین می برد و کارخانه های ما رابه نابودی می کشاند و کاشانه ما را ویران می گرداند و فرخندگی است از آن رو که در بیکر مانبری تازه می دمدم، در قلبهای ما شرار عشق می فشاند، و در اندیشه ما، توانی خستگی ناپذیر می نشاند.

باید این شرار عشق که بر قلبهای ما پاشیده شده گرمی بداریم و آن رابه درخشش در آوریم، باید چنان عشق خود را بیدر خشانیم که جشن جادوانه تاریخ را بنیان نهیم. چشمه عشق ما هرگز خشکیده است. و اینک باید که از آن سیلابها تراود. عشق ما، عشق به میهن است، عشق به فرزندان و نیاکانمان است، عشق به دینمان است، عشق به مـرغزارها و کـشـترازها و رودهایمان است، عشق به دشتها و کوهسارها و دره هایمان است، عشق به کتابها و شعرها و سرودهایمان است، عشق به شهرها و روستاهایمان است عشق ماعشق به انسانها و ایرانیان همه آزادگان جهان است. عشق ماعشق به فرزندی و فضیلت و سازندگی است.

اینک زمان آن است که هر زن و مرد به خیل جنگاوران به پیوندند. دست در دست دیگر یاران نهد و تارویدن دشمن

دشمن آمده است، اما تابا بر ما چیرگی کند، اما راز اندیشیدن به خویش و فردای فرزندانمان بیاز دارد، تا آنچه را بر ما گرمی است بی عزت سازد، تا گشتگاههای ما را ز باروری بیفکند، تا کارگاههای ما رابه خدمت خواستهای شیاطنی خویش در آورد، تا مدرسه های ما را کانون های بردگی فکری نماید، تا آفتاب جهانتاب را در چشم ماتیره دارد، تا تافقهایی روشن میهن را بر فرزندان آن تیره کند.

دشمن آمده است تا نیکامی را بزداید تا فضیلت رابه سخره گیرد، تا بر بزرگان ما بی حرمتی روا دارد تا راهبری از راهبران ما بازستاند، تا ما را در پنجه بیداد گرفتار دارد و تاملت ما رابه بردگی بکشاند.

اگر این بارتن به بردگی بدهیم، زنجیرها را چنان استوار خواهند داشت که گسستن آنها به آسانی و زودی ممکن نباشد. اگر این بارتن به بردگی بدهیم، همه پایگاههای مردمی ما را چنان ویران خواهند ساخت که روح مروت در افسانهها بماند.

اگر این بارتن به بردگی بدهیم، چنان عزت را از ما دریغ خواهند کرد که فلاکت به فضای زندگیمان آغشته شود.

اگر این بارتن به بردگی بدهیم، بر همه ما از بیرو جوان، واز عارف و عامی چنان تاخت خواهند زد که هیچکس جز جو رو ستم در کتاب زندگی نتواند.

اگر هر کس به پندارد که باعشوه ای به دشمن دژ اندیش، خود را از کام بلا خواهد رهانید بر خطا می رود. دشمن بر هر چیز که مردمی است و انسانی است جز آتش و خون و ستم ارمغانی نخواهد داشت و این گردو غبار که در افق برپا است، ره آوردی جز مصیبت نتواند داشت. باید

رونوشت آگهی حصر وراثت

خانم قربانعلی روتیوند غیاثوند دارای شناسنامه شماره ۳۶۲ از قزوین فرزند حبیب از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که خانم نازخاتون در تاریخ ۵۷/۹/۲۱ در تهران اقامتگاه دائمی خود بدو زندگی گفته ورثه آن مرحومه منحصراست به یک پسر بنام قربانعلی و یک دختر بنام فرنگ و غیر از نامبردگان وارث دیگری ندارد. اینک بنا انجام تشریفات مسقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یکمترتبه آگهی مینماید تا هر کسی اعتراض دارد و یا وصیتنامه ای متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه بدادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود. م- الف ۱۵۶۲۳ ۳-۱

رئیس شعبه ۴۹ دادگاه صلح تهران

آگهی جهت اطلاع آقای حسین علیزاده

پیرو آگهیهای روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار بورس چون وقت رسیدگی در پرونده ۳۷/مطروحه در شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران پیروز یکشنبه ۱۳۶۰/۱۱/۶ ساعت ۹/۲ صبح تعیین شده است بنا بر این در اجرای اخیر ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یکتوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار درج میشود تا در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید و هر گونه دفاعی دارید بنماید والا دادگاه غیاباً اتخاذ تصمیم خواهد نمود مدت این آگهی ۱۰ روز است. م- الف ۱۵۴۹۳ مدیر دفتر شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران- ضیاء درودی

آگهی جهت اطلاع آقای محمود یوسفی

پیرو آگهیهای روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار بورس چون وقت رسیدگی در پرونده ۹۲۴/۵۸/۵۸ مشروحه در شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران پیروز یکشنبه ۱۳۶۰/۱۱/۱۶ ساعت صبح تعیین شده است بنا بر این در اجرای اخیر ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یکتوبت در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار درج میشود تا در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید و هر گونه دفاعی دارید بنماید والا دادگاه غیاباً اتخاذ تصمیم خواهد نمود مدت این آگهی ۱۰ روز است. م- الف ۱۵۴۹۶ مدیر دفتر شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران ضیاء درودی

آگهی حصر وراثت

آقای ایرج گورنگ شناسنامه ۱۷۲۲ بشرح دادخواست کلاسه ۲۱/۴۵۹ این شعبه توضیح داده شادروان عباس گورنگ شناسنامه ۸۹۱۳ در تاریخ ۵۸/۹/۲۷ درگذشته ورثه وی عبارتند از متقاضی پسر و پروانه گورنگ شناسنامه ۹۵۵ و پسر است گورنگ شناسنامه ۲۹۹۰ و پروین گورنگ شناسنامه ۱۳۳۸ دختران دکتر تاج سلطانی آزاد شناسنامه ۴۰۵۴ همسر دائمی. لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای در گذشته ن، یا اشخاصی باشد طرفه سه ماه از نشر اولین آگهی به دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م/۹۲۵/الف ۳-۳ دادرس شعبه اول دادگاه صلح تهران-

آگهی جهت اطلاع آقایان حسین سلطانی و حسین زاده صباغ

آقای دکتر فیروز شهیدی بوکالت از شرکت هیکو دادخواستی بخواسته مبلغ ۳۰۸۰۰۰ ریال به مستند دعوی فتوکی های صدق سفته واخواست و کالتنامه به طرفیت شما تقدیم دادگاههای عمومی تهران نموده که بشماره ۲۷۸۹۰ ثبت جهت رسیدگی به شعبه ۱۲- دادگاه عمومی تهران واقع در کاخ دادگستری ارجاع شده و وقت رسیدگی به روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۶ ساعت ۱۰/۲ صبح تعیین شده است چون مامور ابلاغ گزارش داده شما در نشانی راه آهن چهارراه کارگران شماره ۷۵ نبوده اید و درب محل اقامت شما بسته بود بنا بر این در تاریخ ۵۹/۴/۱۷ اعلامیه تنظیم و بدرب محل اقامت الصاق نموده اینک در اجرای ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار درج میشود تا در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر شوید و ظرف مدت یکماه بدفتر دادگاه مراجعه و ثانی دادخواست و ضامنه را دریافت نمایند والا وقت رسیدگی ابلاغ شده محسوب و دادگاه اتخاذ تصمیم خواهد نمود. م-الف ۱۵۴۹۵ مدیر دفتر شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران- درودی

آگهی جهت اطلاع آقای تقی محمدزاده فرجان

بانک بازرگانی ایران دادخواستی بخواسته مبلغ ۱۴۰۰۰۰۰ ریال به مستند دعوی فتوکی های صدق واخواست و سفته و کالتنامه بطرفیت شما تقدیم دادگاههای عمومی تهران نموده که بشماره ۱۷۳۲ ثبت جهت رسیدگی به شعبه ۱۲- دادگاه عمومی تهران واقع در کاخ دادگستری ارجاع شده و وقت رسیدگی پیروز ۴ شعبه نشانی تهران- بازارسرای رحیم خان نبوده اید و درب محل اقامت شما بسته بود بنا بر این در تاریخ ۵۹/۵/۱۴ اعلامیه تنظیم و بدرب محل اقامت الصاق نموده اینک در اجرای ماده ۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار درج میشود تا در وقت مقرر قانونی جهت رسیدگی حاضر شوید و ظرف مدت یکماه از تاریخ نشر آگهی بدفتر دادگاه مراجعه و ثانی دادخواست و ضامنه را دریافت نمایند والا وقت رسیدگی ابلاغ شده محسوب و دادگاه اتخاذ تصمیم خواهد نمود. مدیر دفتر شعبه ۱۲ دادگاه عمومی تهران ضیاء درودی م-الف ۱۵۴۹۲

آرمان ملت ارگان حزب ملت ایران دارنده امتیاز: امیرسلیمان عظیمای زیر نظر شورای نویسندگان شماره حساب بانکی ۹۸۲۳ بانک صادرات شعبه فردوسی شماره ۳ خیابان سیند شماره ۲۶ طبقه سوم تلفن ۸۹۸۲۱۷ صندوق پستی ۱۱۵۷-۳۱۴

آگهی حصر وراثت

خانم تاج چهار میر پایه شناسنامه یک میلیارد بشرح دادخواست کلاسه ۲۰۹۳/۵۹/۳۵ این شعبه توضیح داده شادروان عبدالحمین ترک قله جردی شناسنامه ۲۴ در تاریخ ۱۳۵۳/۵/۱۹ گذشته وراثت حین القوت آمر حوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر عیال دائمی متوفی ۲- منصور ترک شناسنامه ۳ صادره از ملایر ۳- امیر ترک قله جردی شناسنامه ۹۲۷ صادره از تهران ۴- محمد خداپرست شناسنامه ۱۳ صادره از ملایر ۵- احمد ترک قله جردی شناسنامه ۱۸۴۲۴ صادره از تهران پسران متوفی ۶- معین ترک شناسنامه ۴ صادره از ملایر دختر متوفی ۷- خانم طوبی ترک قله جردی شناسنامه ۱۹۰ صادره از ملایر مدار متوفی ورثه دیگری ندارد.

لذا مراتب سه نوبت ماهی یکمترتبه در روزنامه محلی آگهی میشود تا چنانچه کسی اعتراضی دارد یا وصیتنامه ای در گذشته نزد اشخاصی باشد طرفه سه ماه از نشر اولین آگهی بدادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد و هر وصیتنامه ای جز رسمی و سری که بعد از این موعد ابراز شود از درجه اعتبار ساقط است. م- الف ۱۵۵۰۱ ۳-۱

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی حصر وراثت

آقای بیوک خانی شناسنامه یک ارسباران بشرح دادخواست کلاسه ۵۹۳۵-۱۱۷۸ این شعبه توضیح داده شادروان حسن خانی چخماقلی شناسنامه ۱۶۵ در تاریخ ۱۳۵۶/۹/۲۲ درگذشته وراثت حین القوت مرحوم عبارتند از ۱- متقاضی با مشخصات فوق الذکر ۲- علی خانی چخماقلی به شناسنامه ۹۲۲ صادره از تهران ۳- اکبر خانی چخماقلی به شناسنامه ۱۵۳۴ صادره از تهران پسران متوفی ۴- زهرا

سلطان خانی به شناسنامه ۸ صادره از الیگودرز دختر متوفی ۵- سهاب سینزاده چولوبه شناسنامه ۳۹۵ صادره از سراب عیال دائمی متوفی ورثه دیگری ندارد.

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران

رئیس شعبه ۳۵ دادگاه صلح تهران محمد ابراهیم طائف

آگهی تغییر محل شرکت پارسا تکلو با مسئولیت محدود ثبت شده بشماره ۱۷۱۴۱

باستناد صورتجلسه شش کاوه مورخ ۵۹/۳/۲۲ شرکت مزبور آدرس شرکت بنشانی خیابان امیرکبیر کوچه ناظم الاطبا زیرهتل کاوه پلاک ۵۳ تغییر یافته است. م- الف ۱۵۴۹۱ اداره ثبت شرکتها وموسسات غیر تجاری تهران

از خبرهای هفته

آیت‌الله اشراقی: اسلام برای وطن ارزش قائل است.

حضرت آیت‌الله اشراقی در مصاحبه‌ای با خبرنگار کیهان، در پاسخ این سوال که آیا اسلام با ملی‌گرایی مخالف است یا خیر؟ گفت:

«انسان را گاهی در بعد مادی میبینیم. در این بعد شخصیت و تخصص او بستگی به جهات مادی دارد که در این نگرش طول و عرض، مکان و زمان هم در تشخیص او دخالت دارد. در این لحاظ مکان مطرح میشود که ملتی در یک طول و عرض جغرافیایی خاص اگر جا گرفتند، یک نوع شخصیت خاصی بخود میگیرند. مثلاً به او میگویند ملت ایران. ملت ایران یعنی جمعیتی که در یک طول و عرض خاص جغرافیایی که شمالش به دریای خزر و جنوب آن به خلیج فارس منتهی میشود، زندگی میکنند.

این مکان که ملتی را شخصیت خاص بسازد و میدهد وطن می‌گویند و ایرانی یعنی کسی که در کشورش ایران زندگی میکند.

اسلام برای این وطن ارزش قائل است و جمله معروف حب الوطن من الایمان، از پیغمبر اکرم (ص) است.

قرآن کریم در داستان طالوت از مبارزه کسانی که برای بازپس گرفتن وطن خویش از بیگانگان کوشش داشتند به «قتال فی سبیل‌الله» تعبیر میکند.

اگر وطن از نظر اسلام ارزش نداشت، نبرد برای بازپس گرفتن آن قتال فی سبیل‌الله نام نمیگرفت. بنابراین عشق به وطن و پای بندی اصول ایرانیت یعنی ایرانی ملی‌گرایی و ناسیونالیسم، از نظر اسلام هم ارزش دارد.»

پراودا رژیم صدام حسین را ضدامپریالیست میدانند!

بدنبال شروع جنگ بین ایران و عراق، روزنامه پراودا، ارگان حزب کمونیست شوروی در مقاله‌ای گفته است:

«بطوری که میدانیم عراق راه دشوار مبارزه با استعمار و امپریالیسم را پیموده است.»

این روزنامه در مقاله خود اضافه کرده است:

«یادآوری میکنیم که انقلاب ۱۹۵۸ و اصلاحات انقلاب بعدی در کشور، لطمه زیادی به استعمار و عوامل سرکوب ملت‌های کشورهای رو به رشد، که توسط امپریالیستها ایجاد میشد، وارد آورد.»

پراودا سپس اشاره میکند که تجربه تاریخی نشان میدهد که ایران و عراق یک دشمن مشترک، یعنی امپریالیسم، دارند که به نحوی از انحاء میکوشد مواضع خود را در خلیج‌فارس بازستاند و لذا تصادفی نیست که ایالات متحده تدارکات نظامی خود را در این منطقه شدت میدهد.

برای صحت ادعای پراودا کافی است به اظهارات آقای طارق عزیز، معاون نخست‌وزیر رژیم ضدامپریالیستی!! عراق توجه کنیم. وی که جهت یک دیدار رسمی از فرانسه وارد پاریس شده بود، در یک مصاحبه مطبوعاتی، در رابطه بامسئله نفت گفته است:

«عراق تمام تلاش خود را برای تغذیه نفتی کشورهای غربی انجام میدهد... هم چنین اگر فقط چندسال به عقب برگردیم و روزنامه‌ها را ورق بزنیم، خواهیم خواند که زمانی نه چندان دور، همین روزنامه و دیگر ارگان‌های حزب کمونیست شوروی، شاه خلع شده و رژیم وابسته او را نیز «ضدامپریالیست» میدانست و از آنجاست که میتوان بیشتر و بهتر به معنی و مفهوم عبارت «ضدامپریالیست» در فرهنگ لغات روزنامه پراودا پی برد.

انتظار قطع صدور سلاح‌های ساخت شوروی به عراق

دکتر محمد مکری سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو که بدنبال دیدار با معاون صدر هیئت رئیسه اتحاد شوروی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرده بود، اعلام داشت:

«بشما اطمینان میدهم که در این مرحله هم ما پیروز خواهیم شد و تردیدی نیست که بزودی دولت آمریکا نیز در خواهد یافت که از عراق هم کاری ساخته نیست.»

وی در قسمتی دیگر از مصاحبه خود گفت:

«ما از دولت شوروی دو انتظار داریم. یکی اینکه این دولت طی انتشار یک بیانیه رسمی، تجاوز اخیر عراق را محکوم سازد و دیگر اینکه صدور هواپیماهای جنگی و سلاح‌های مخرب به عراق بلافاصله قطع گردد.»

در حاشیه جنگ ایران و عراق

– خبرگزاری رویتر اعلام کرد قوای ایران، بخصوص نیروی هوایی، کارشناسان جهانی را شگفت‌زده کرده است.

– رئیس جمهوری اسلامی ایران برتری کامل دارد.

– روزنامه واشنگتن پست اعلام کرد کارتر به پنتاگون دستور داده است که برای بمباران اتمی خاورمیانه طرح‌ریزی نماید.

– ادموند ماسکی و آندره گرومیکو، وزیران خارجه آمریکا و شوروی، در نیویورک با یکدیگر ملاقات کردند. ماسکی بعد از این ملاقات اعلام کرد که نظر آمریکا و شوروی در مورد جنگ ایران و عراق، یکسان می‌باشد. (!)

– پاپ ژان پل دوم نگرانی عمیق خود را از بحران میان ایران و عراق اعلام داشت.

– مهندس بازرگان در پیامی به ارتشیان و سپاهیان گفت شما به ارتش و انقلاب شرف هدیه کردید و به هموطنانتان آبرو و امید دادید.

– ستاد مشترک ارتش اعلام کرد تا روز شنبه هشتاد تا هشتاد و پنج درصد از تأسیسات نفتی عراق منهدم شده است.

– مجلس از جانبازی نیروهای نظامی تجلیل کرد.

– حضرت آیت‌الله منتظری اعلام نمود کارتر همزمان با بررسی وضع گروگانها، عراق را وادار به جنگ با ایران کرد.

– بگین خواستار دخالت آمریکا در جنگ ایران و عراق شد.

– بنا به گزارش آسوشیتدپرس رادیو بغداد اعلام کرده است که عربستان سعودی به عراق پیشنهاد تأمین اسلحه برای مقابله با ایران داده است.

– شورای آرد و نان اعلام کرد آرد و گندم کافی تأمین شده است و جای هیچگونه نگرانی در زمینه کمبود نان وجود ندارد.

– ژنکو سوزوکی، نخست‌وزیر ژاپن، ضمن ابراز نگرانی عمیق از جنگ ایران و عراق، خواستار پایان گرفتن فوری این خصومتها شد.

– کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل، طی یک پیام فوری از رؤسای جمهوری ایران و عراق خواست که به خون‌ریزی و تخریب خاتمه دهند.

– وزیر خارجه یونان از عراق و ایران خواست امنیت یکصد و پنجاه کشتی یونانی و خدمه آنها را، که در منطقه جنگی خلیج فارس به دام افتاده‌اند، تضمین کنند.

– انور سادات اعلام کرد از کودتای نظامی علیه ایران حمایت خواهد کرد.

– مراکش و موریتانی حمایت خود را از عراق اعلام کردند.

– اردن بطور رسمی پشتیبانی خود را از عراق اعلام کرد.

– چین کمونیست اعلام کرد جنگ بین ایران و عراق مطمئناً بهانه‌ای بدست شوروی میدهد که نیروهای خود را به خلیج‌فارس اعلام دارد.

– امام خمینی به ارتش عراق پیام داد که به ارتش ایران ملحق شوند.

– وزارت کار و امور اجتماعی اعلام کرد در شرایط حاضر، سنگر مدافعات کارگران، حریم مقدس کارخانجات است.

– ساذلی بن جدید، رئیس جمهوری الجزایر، روز شنبه گذشته در یک تماس تلفنی با آقای ابوالحسن بنی‌صدر اظهار داشت: «حمله عراق به ایران توطئه‌ای است برضد ایران. ما این را میفهمیم و تمام کوشش خود را برای کمک به شما بکار میبریم.»

دیدار هیئت روسی از اردن!

– براساس گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس از اردن، طبق یک اعلامیه رسمی که روز شنبه در اردن انتشار یافت، یک هیئت نظامی روسی قرار است برای یک دیدار سه روزه وارد اردن شود.

این نخستین هیئت روسی است که از کشور پادشاهی اردن، که تاکنون از یک سیاست طرفداری در بست از غرب پیروی کرده است، دیدن میکند.

در اطلاعیه دولت اردن گفته شده است که این هیئت از تأسیسات نظامی و پایگاههای اردن دیدن خواهد کرد.

اعلام این خبر، در گرما گرم جنگ ایران و عراق و در حالیکه گزارشها حاکی از تمام شدن قطعات یدکی و سلاحها و بویژه مهمات جنگنده‌های میگ روسی عراق میباشد و نیز با توجه به اینکه اعلام شده است میگهای روسی عراق در پایگاههای اردن از خدمات تدارکاتی و نگهداری برخوردار میشوند، اگر چه بسیار غیردوستانه است، ولی لابد برای تحکیم موضع های «ضدامپریالیستی» عراق! لازم بنظر میرسد و از این رو نباید چندان عجیب جلوه کند.

ایران من بجاست

در روشنای صبح وقتی گلبانگ نام خدا، شهر و حومه را از غربت سیاهی شب می‌زدود پاک زنها و مردها، زمزمه کردند دردناک دشمن رسید

حرامی از عشق بی‌خبر آن از تبار نکبت و ادبار و بردگی با هم‌رهان رسید و فروریخت ابر مرگ

ایران من دریغ این سرزمین دلیران پاکباز در خون تپید باز

باز از چراغ لاله برافروخت دشت‌ها مرغان پرگشوده‌ی دریا به روز مرگ چون آذرخش

راهی شدند به غارت، توفان سهمناک برشور و بی‌هراس

از غم دلم تپید وزخمش پرشدم باید رها شد از تن و تن را رها نمود

ایران خسته را باید دوباره ساخت باید چسبیل خروشان روانه شد

از بیخ و بن برید تومار دشمنان

تا آسمان بپاست تا ماه می‌درخشد و خورشید جانفزاست ایران من بجاست.

۴۶۹ ۱۳۵۹ «پروانه»

بامصرف کمتر...

برای جنگاوران جبهه‌های جنگ هم باشند.

این را هم باید افزود که صرفه‌جویی در مصرف مواد غذایی و مواد سوختی و سایر

احتیاج‌ها از این دست یکی از بهترین راههای مبارزه با بحران

احتمالی کمبود است که باید این روش را پیش گرفت. هرچه زودتر

هر کس به آسانی می‌تواند خوراک خود را به نصف کاهش

دهد بدون اینکه هیچگونه زیانی به سلامتی‌اش در کوتاه مدت

بزند. هر کس به آسانی می‌تواند از تقاضای پوشاک نو تا مدتی

چشم‌پوش و می‌تواند در خواست کالاهای مصرفی

غیر ضروری دستمال کاغذی، نوشابه، سوخت برای وسیله

رفت‌وآمد شخصی را نداشته باشد.

در زمانی که شرف ملی و تمامیت ارضی کشور و

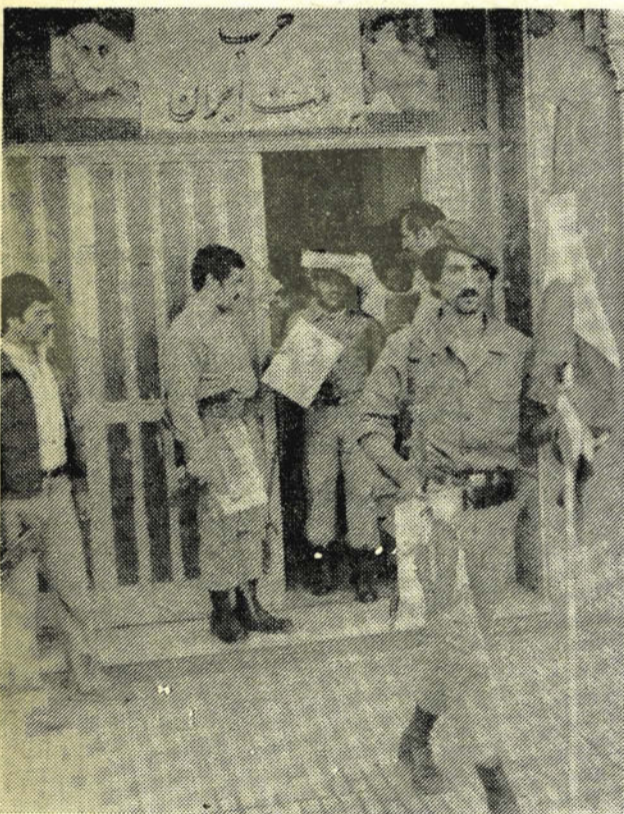
دست‌آوردهای انقلاب در برابر بزرگترین خطر قرار گرفته

باید همواره در یادداشت با شکم گرسنه و بدن برهنه

مدتها، میتوان زندگی کرد اما با خفت از دست رفتن حتی

یک وجب از خاک میهن یک روز هم نمیتوان زیست انسانی

پیوستن به صحنه جنگ



همرمز داریوش فروهر بهنگام بدرقه راهیان صحنه جنگ

بدنبال تجاوز ارتش مزدور عراق به سرزمینهای غرب کشور، مردم بی‌خاسته ایران آمادگی خود را برای دفاع از میهن ابراز داشتند و همه روزه گروه‌های سازمان یافته‌ای باشوق فراوان راهی مرز میشوند.

روز شنبه پنجم مهرماه دو گروه از نیروی ویژه وزارت کار و امور اجتماعی به سرپرستی همرمز مرتضی مشهدی در میان بدرقه گرم کارکنان این وزارتخانه و سپس از بدرود گوئی با

همرمز داریوش فروهر زیر فرماندهی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران راهی استان کرمانشاه شدند و هم

اکنون در سرپل ذهاب در صحنه جنگ بادشمن بسر میبرند.

درود بر روان تابناک همه شهیدان نبرد میهن